

# کارگر کمونیسست

درباره مسائل جنبش کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهلا دانشفر

shahla.daneshfar2@gmail.com

۸۷۲

۶ اسفند ۱۴۰۳

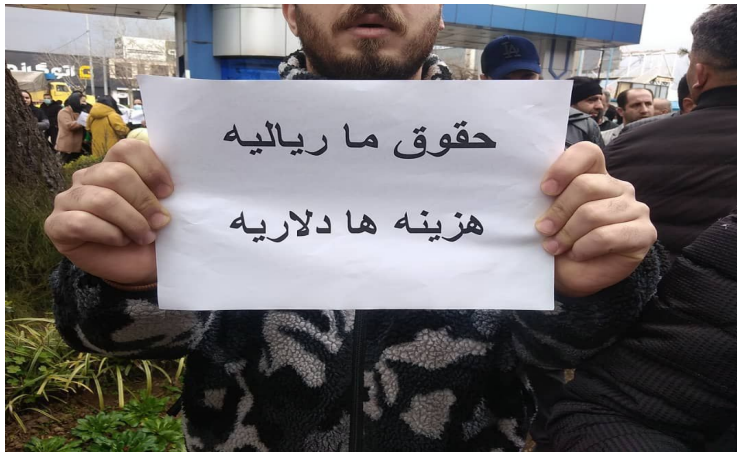
۲۴ فوریه ۲۰۲۵



دوشنبه ها منتشر میشود

## گسترش و تداوم اعتراضات جاری در جامعه

گفتگو با شهلا دانشفر در برنامه رویداد در کانال جدید، صفحه ۲



## سقوط از قله کاذب پیشرفت به توکل کردن به خدا

مهران محبی، صفحه ۴

## نگاهی به یک فراخوان در مورد دستمزدها

یاشار سهندی، صفحه ۵

## اعتراض متحدانه کارگران رسمی و بازنشستگان شرکت ملی مناطق نفت خیز جنوب صفحه ۶

### سبب معیشت و مزد مصوب؛ عامل فقر و فلاکت بیشتر

کارگر کارگاهی - حمید دائمی، صفحه ۷

### تجمع پرستاران و کادر درمان در زنجان و اصفهان

"دلار شده ۱۰۰ تومن، اضافه کار ۲۰ تومن!"، صفحه ۸

### تجمع کارگران رسمی ورودی آزمون ۹۲ نفت و یک خبر دیگر صفحه ۹

### تجمع کارگران ارکان ثالث در پالایشگاه گاز فجر جم و اخباری دیگر صفحه ۹

### تجمعات اعتراضی بازنشستگان تامین اجتماعی و فولاد و بهورزان میناب صفحه ۱۱

### اعتصاب نیروهای شرکتی مخابراتی، تجمعات مالباختگان، ادامه سه شبه های علیه اعدام،

اعتراضات علیه مازوت سوزی در اراک صفحه ۱۳

### تجمع کارگران ارکان ثالث در لاوان، مردم زابل در اعتراض به قطعی برق، پرستاران در کاشان و

اعتصاب پزشکان در هرمزگان صفحه ۱۵

## مدیای اجتماعی

فراخوان محمود صالحی برای دفاع از شریفه محمدی، صفحه ۱۷

صدور مجدد حکم اعدام علیه شریفه محمدی را قویا محکوم میکنیم، صفحه ۱۷

بیانیه کانون صنفی معلمان در حمایت از #اعتراضات\_دانشجویان، صفحه ۱۷

حداقل دستمزد باید تضمین کننده خط زندگی باشد، کمتر از آن جرم محسوب شود! صفحه ۱۸

## کمپین یک ماهه

جمع آوری ۱۵۰ هزار دلار

کمک مالی!

صفحه ۱۴

## از اعتراضات دانشجویان دانشگاه تهران حمایت کنیم!

صفحه ۱۲

## کارگران در هفته ای که

گذشت، صفحه ۱۰

## از خوزستان خبر میرسد

صفحه ۱۲

\*\*\*

## مدیای اجتماعی

محمد حبیبی از زندان آزاد

شد، صفحه ۱۶

عیسی ابراهیم زاده زندانی

سیاسی، فرزند خردسالش را

از دست داد، صفحه ۱۶



به روشنی دید.

اعتراضات بازنشستگان حقیقتاً حماسی است و در روند پیشروی انقلاب و داغ نگاهداشتن فضای انقلابی جامعه نقش بسیار شگرفی بازی کرده است. واقعیت اینست که فضای پر تب و تاب جامعه بر فضای اعتراضی در میان بخشهای مختلف کارگری شدت بخشیده است. ما شاهد اشکال گوناگونی از اعتراض، اعتصاب و تجمع هستیم و همه اینها راهکارهای مهمی را برای پیشروی و تقویت آنها در مقابل ما قرار میدهد. همین امروز ما شاهد اعتراضات گسترده ای در میان پرستاران بطور مثال در بیمارستانهای میلاد تهران و مشهد و کاشان و غیره هستیم. پرستاران در اعتراضاتشان گفتمان افزایش حقوقها متناسب با افزایش نجومی نرخ دلار را جلو آورده و به تبعیض و بی‌تامینی معترضند. خلاصه کلام اینکه یک اعتراض سراسری در میان همه بخش های کارگری شعار اتحاد اتحاد علیه فقر و فساد است که اعتراضی علیه فقر، تبعیض، اختلاس و دزدی و سرکوبگریهای حکومت برای تداوم انقلاب است. و این اعتراض زنجیره ای است که اعتراضات بخش های مختلف جامعه از جمله بازنشستگان را به محیط های کار، محیط های کار و اعتراضات در نفت را به دانشگاهها، دانشگاهها را به دادخواهان و همه آنها را به شکل سریالی به هم وصل میکند. و این حال و هوای فضای انقلابی امروز جامعه است.

**میشم عتیق:** شهلا دانشفر فکر میکنم همه میدانند و مقامات حکومت هم اقرار کرده‌اند که اینک جامعه ایران در وضعیت کنونی در یک موقعیت انفجاری قرار دارد. روی یک بمب ساعتی مردم نشسته‌اند. در دانشگاه تهران و دیگر دانشگاهها، در دهشت و اعتراضاتی از این دست نیز بروزاتش را دیدیم. اوضاع بسیار بسیار ملتهب است. در دل همین اوضاع وقتی روزهای گذشته را بررسی میکنیم به نظر میرسد که اعتراضات کارگران و بازنشستگان صنعت نفت، گاز و پتروشیمی شدت محسوسی به خود گرفته. اهمیت اعتراضات نفت در اوضاع سیاسی کنونی جامعه را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

**شهلا دانشفر:** نکته قابل توجهی را اشاره کردید. دهشت در واقع یک نقطه انفجاری جامعه بود. که به این شکل با فریاد مرگ بر دیکتاتور سر بلند کرد و سه شب متوالی جریان داشت. بازتاب دیگر این شرایط را در تعرضی تر شدن اعتراضات در محیط های کارگری و در تجمعات بازنشستگان و در نفت می بینیم. نفت یک مرکز کلیدی اقتصادی جمهوری اسلامی است. و امروز این کارگر نفت است که جلو می آید و میگوید "یک کلام یک کلام، مزد بدون تبعیض والسلام". این نفت است که

صفحه ۳

## گسترش و تداوم اعتراضات جاری در جامعه گفتگو با شهلا دانشفر در برنامه رویداد در تلویزیون کانال جدید

**میشم عتیق:** در روزهای گذشته کارگران و بازنشستگان در شهرها و مراکز صنعتی مختلفی دست به اعتراض زدند. شاید بهتر باشد ابتدا نگاهی داشته باشیم به اعتراضات بازنشستگان. این اعتراضات را در چند روز گذشته چگونه دیدید؟ مهمترین نکات درباره این اعتراضات از نظر شما چه مواردی هستند؟

**شهلا دانشفر:** همانطور که اشاره کردید ما با زنجیره ای از اعتراضات در میان بخش های مختلف کارگری و جامعه روبرو هستیم. یک بخش همیشه در میدان در این اعتراضات بازنشستگان هستند. و دیدیم که علیرغم تهدیداتی که از سوی نیروهای امنیتی صورت گرفت و احضارهایی که کرده‌اند، بخش های مختلف بازنشستگان در این هفته تجمعات پرشوری از سوی بازنشستگان تامین اجتماعی، فولاد، نفت و مخابرات انجام گرفت.

در این هفته بازنشستگان مخابرات در بیش از ده شهر تجمع داشتند. بازنشستگان تامین اجتماعی و فولاد نیز مثل هر یکشنبه در چندین شهر تجمعات اعتراضی بر پا کردند. در هفدهم بهمن ماه نیز شاهد یکی از بزرگترین تجمعات اعتراضی بازنشستگان نفت بودیم. یک وجه مهم اعتراضات بازنشستگان برپایی تجمعات مشترک و بدست گرفتن پرچم اتحاد کارگری با شعارهایی چون شاغل و بازنشسته اتحاد اتحاد، لشکری، کشوری، تامین اجتماعی اتحاد اتحاد است و خطابشان رو به جامعه اتحاد علیه فقر و فساد و بساط چپاولگریهای حاکم است. از جمله کرمانشاه یک الگوی درخشان از اینگونه تجمعات است.

یک وجه قابل توجه دیگر اعتراضات بازنشستگان اینست که همواره صدای اعتراض کل جامعه بوده‌اند. از جمله در اعتراضات این هفته ما شاهد این بودیم که بازنشستگان تامین اجتماعی همبستگی خودشان را با خانواده های کشته شدگان مدرسه فرزنانگان کرمان و همینطور خانواده امیر خالق محمدی دانشجوی کشته شده در دانشگاه تهران اعلام کردند.

بازنشستگان همچنین سد محکمی علیه تعرض حکومت به زنان تحت عنوان حجاب و در برابر بازپس گرفتن این سنگر فتح شده انقلاب و علیه سرکوبگریهای حکومت بوده و هستند. شعار زندانی سیاسی آزاد باید گردد را به کف خیابان کشانده‌اند و همین امروز شعارهایی چون معلم زندانی آزاد باید گردد، کارگر زندانی آزاد باید گردد، معترض زندانی آزاد باید گردد و خواست آزادی کارگران زندانی شریفه محمدی، اسماعیل گرامی، نوروز ذبیحی شعارهای کف خیابانی آنهاست.

و یا ما شاهد فریاد رسای اعتراضی بازنشستگان علیه گرانبها و چپاولگریهای حاکم هستیم. از جمله شعار "حقوق ما ریالی، هزینه ها دلاریه" بیانگر درد و اعتراض کل جامعه است. به این ترتیب بازنشستگان صدای پر توپ جامعه علیه فقر و بی‌تامینی و برای داشتن یک زندگی انسانی هستند.

اعتراضات بازنشستگان هر روز شکل سازمانیافته تر و قدرتمندتری بخود میگیرد. این را در شعارهای یک دست و سراسری آنها، در برها و دستنوشته های آنان که مضمون اعتراض رادیکال شان را بیان میکند، در حرکت و تلاش آنان بسوی برگزاری تجمعات مشترک و بزرگ و سراسری و نمونه هایی چون تجمعات مشترک بازنشستگان در کرمانشاه و یا در تهران و نیز در استمرار مبارزات بازنشستگان میتوان

## پیش بسوی اعتصابات سراسری!



از صفحه 2

## گسترش و تداوم اعتراضات ...

کار مردم مختل شده است. از جمله ما با سونامی گرانی و سونامی بیکاری و هزار جور بدبختی مردم روبرویم. در این شرایط اعتصاب ضربه جدی ای به کمر حکومت است. و نوید بخش اینست که حرکت جامعه بسوی اعتصابات گسترده شهری، رشته ای و سراسری است. همانطور که اشاره کردید این یک مشاهده درستی است. بعلاوه همه میدانیم که تجمعات همراه با اعتصاب است. کارگر اول دست از کار میکشد و بعد تجمع میکنند. ولی الان اعتصاب کردن و دست از کار کشیدن در خیلی از اعتراضات شکل روزانه ای بخود گرفته و گسترده تر شده است. مجموعه اینها نشان میدهد که هم توازن قوا امکان شکل دادن به اعتصابات گسترده تر و سراسری تر را ایجاد میکند و هم در شرایط امروز و برای پیشروی انقلاب ضرورت حیاتی دارد. بعلاوه اینکه در جایی مثل نفت با چنین ابعاد گسترده ای از اعتراض که شاهدش هستیم، امکان سراسری شدن اعتراضات فراهم تر است و تدارک اعتصابات سراسری در نفت میتواند زمینه را در همه مراکز کارگری در سطح جامعه برای اعتراضات سراسری و گسترده آماده تر سازد.

نفت امروز در آستانه اعتصابات سراسری قرار دارد. ما امروز اعتصابات و تجمعات اعتراضی را همراه با اولتیماتوم دادنها شاهدیم و این استمرار اعتراضات و پیشروی آنها بسوی سراسری تر شدن را نشان میدهد. این اولتیماتوم دادنها را ما از کارگران نفت شنیدیم، از پرستاران، بازنشستگان، معلمان، دانشجویان و دادرهانان و بخش های مختلف معترض جامعه شنیدیم. از هر گوشه این جامعه اعتراض می بارد. مردم در اشکال مختلفی اعتراض میکنند، تجمع میکنند و اولتیماتوم میدهد و بر تداوم اعتراض و خواست خود پای میفشارند. این روند تداوم انقلاب است. بنابراین تاکید من این است که در این فضا و در این توازن قوا باید صف اعتراضاتمان را برای رفتن بسوی اعتصابات و تجمعات سراسری سازمان دهیم و همانطور که اشاره شد انجام این کار در این شرایط ممکن است. توازن قوا زمینه ها را فراهم کرده است و انجام آن بسیار حیاتی است. نفت میتواند بیش از هر وقت کانون چنین اعتراضاتی باشد. در عین حال همبستگی بخش های مختلف کارگری و کل جامعه میتواند به چنین حرکتی قدرت ببخشد.

میشم عتیق: متشکرم شهلا دانشفر دبیر کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری ایران

فریاد میزند و میگوید "حقوقها ریالیه، هزینه ها دلاریه". در این مرکز کلیدی کارگری است که تجمعات بزرگی چون تجمع بزرگ بازنشستگان نفت برگزار میشود و با کارگران ارکان ثالث یک کانون داغ اعتراضات کارگران در مراکز نفتی هستند و ما شاهد سه شبه های اعتراضی آنان هستیم. در تجمع بازنشستگان نفت دیدیم که جمعیت کثیری از آنان از شهرهای مختلف به تهران آمدند و مقابل وزارت نفت تجمع کردند و با فریاد "ما منتظر وزیر نفتیم، هیچ جا نمیریم همین جا هستیم" خواستههایشان را طلب کردند. یا کارگر ارکان ثالث شعار میدهد: "این آخرین پیام است، اگر که ما نباشیم، کار شما تمام است"، در واقع اعتراضات نفت در این شرایط همانطور که اشاره کردم بازتابی هست از آنچه که در دغدشت و در دانشگاهها شاهد بودیم. ضمن اینکه نفت مرکزی هست که اعتراضات در آن تاثیر مستقیمی بر دیگر مراکز کارگری و در گرم شدن اعتراضات در سطح جامعه دارد. می بینیم که تجمعات کارگران نفت در همین چند ماهه چه ابعاد گسترده تر و اجتماعی تری داشته است. تجمعات بزرگ و پر جمعیت بوده. خانواده ها در آن شرکت داشته اند و شکل بیان اعتراض آنان نیز تعرضی تر بوده است. این اتفاقات سیر پیشروی اعتراضات کل جامعه را نشان میدهد. به باور من در شرایط کنونی اعتراضات مردمی تجمع، اعتصاب، تجمعات بزرگ در محیط های کار و در خیابان میروند که بصورت سیلی به هم وصل شوند. و این بسیار فراتر از اتفاقی است که در سال 1401 شاهد بودیم و انقلاب فوران پیدا کرد. به نظر من انقلاب بسیار پر قدرت تر سر بلند میکند و همانطور که شما اشاره کردید این همان چیزی است که حکومت را به وحشت انداخته است

میشم عتیق: یک چیزی که توجه خود من را جلب کرده اینست که به نسبت تجمعات اعتراضی، اعتصاب کردن برای کارگران و هر کسی که در حوزه های کار هست هزینه بیشتری در برابر کارفرما دارد. و این جالب است که وقتی اعتراضات چند روز گذشته را بررسی میکنیم به نظر میآید که تعداد اعتصابات که انجام شده افزایش پیدا کرده است. در این رابطه میخواستم از شما بپرسم که فکر میکنید در دل این اوضاع سیاسی ملتهب و انفجاری ای که با آن روبرو هستیم، جایگاه اعتصاب کارگران اساسا چیست؟

شهلا دانشفر: اعتصاب ضربه محکمی به اقتصاد جمهوری اسلامی میزند. آنهم در شرایطی که اقتصادشان چنین فلج و به گل نشسته است و حکومت توان اداره جامعه را ندارد، در شرایطی که برق قطعی مداوم دارد، گاز و آب و نیازهای اولیه مردم قطع میشود، بخاطر مازوت سوزی و سمی شدن هوای شهرها روزهای متوالی ای از هفته کار و تولید و در واقع جامعه به تعطیلی کشیده میشود و در نتیجه همه اینها زندگی و

**یوتل ست**

**فرکانس ۱۱۳۸۷**

**اقتی ۲۷۵۰۰**

**مشخصات فنی تلویزیون**

**کانال جدید**

**ترکمن عالم**

**(جهت یاهست)**

**فرکانس ۱۰۸۴۵**

**عمودی ۲۷۵۰۰**

**اف ای سی ۲/۳**

**KANAL JADID**

**کانال جدید**



## سقوط از قله کاذب پیشرفت به توکل کردن به خدا

مهران محبی

خامنه ای در دیدار چند روز پیش با مسؤلان حکومتی ناچار به اعتراف به افلاس و ورشکستگی در همه عرصه های سیاسی، اقتصادی، نظامی و امنیتی حکومت کرد و گفت که تنها راه نجات، توکل به خدا است و به این ترتیب اعلام کرد که کار از کار گذشته است.

این نوع اعلام "کار از کار" گذشتن های سران حکومت، مسبوق به سابقه است. هنگامی که پزشکان معالج خمینی از بازگرداندن او به زندگی قطع امید کرده بودند، نیز از مردم خواستند تا برای زنده ماندن امامشان دست به دعا بردارند و یک بازی عوامفریبانه در آوردند تا اوضاع را از نظر امنیتی به کنترل بگیرند و رسماً مرگ او را اعلام کنند. در مورد احمد خمینی، رفسنجانی و رئیسی که توسط جریان غالب تحت رهبری خامنه ای حذف (ترور) شدند همین بازی ها را در آوردند و برای مردم تجربه شده که هر وقت درون حکومت یا آطور که امروز در حال وقوع است، برای کلیت حکومت اتفاق غیر قابل بازگشتی رخ داده باشد، معتبرترین نشانه، درخواست سران رژیم دست به دعا شدن طرفداران خودشان است.

حالا که جمهوری اسلامی از هر نظر در بن بست قرار گرفته و به طور غیرقابل کنترل و بازگشت به سراسیمه سرنگونی افتاده و امیدی برای نجات آن باقی نمانده است، خامنه ای نه از عموم مردم، بلکه هم همان طور که در صحبت هایش مشهود بود، از دارودسته های رژیم خواست تا به خدا توکل کنند. چون می داند که مردم آرزو دارند هر چه زودتر حکومت سرنگون شود و عملاً هم دست بکار متحقق کردن آرزویشان هستند. از اینرو مخاطبان خامنه ای خود سران و بدنه روحیه باخته رژیم هستند که هر روز امیدشان به بقاء حکومتشان کم رنگ تر می شود.

شکست ها و بن بست های حال حاضر حکومت دیگر هیچ جوهره حتی برای خامنه ای هم قابل انکار و توجیه نیستند و این دعوت به دست به دعا شدن ها با گذشته کاملاً متفاوت است. اگر در گذشته توسل به موهومات و خرافات برای ادا درآوردن و عوامفریبی کردن بر بستر مردگانی چون خمینی و دیگرانی که خود قبایشان کردند می توانست از شدت تش های جناح های درون حکومتی بکاهد و نگذارد به بحران های نابود کننده کل رژیم تبدیل شوند، الان دیگر کارآئی ندارند. بن بست امروز بسیار فراتر از حد تش های درون حکومتی بر سر انحصار قدرت است. حالا موضوع مرگ کل جمهوری اسلامی در میان است و همانطور که خود خامنه ای اعتراف می کند، هیچ راهی برای نجات از آن در تصور نیست. خود خامنه ای می داند که اعتراف به بن بست های لاینحل موجود (هرچند مختصراً و با لحنی دلداری دهنده)، ضمن اینکه جامعه را منجرتر از توهم پراکنی های خرافاتی می کند، بیشتر باعث به وجد آوردن مردم نسبت به اوضاع وخیم حکومت می شود و از این طریق روحیه سرنگونی طلبی در میان مردم را بالا می برد. ولی ناچار است برای دلداری دادن و روحیه بخشیدن به اطرافیانش بر زبان بیاورد و این نوع "جام زهرها" را سر بکشد.

فقط خامنه ای نیست، بلکه همه سران ریز و درشت حکومت می داند که بخشی از عموم مردم حتی اگر همچنان در "ته" ذهنشان به طور ارثی باور به خدا و دیگر موهومات در باره هستی و کائنات داشته باشند، در رابطه با زندگی زمینی و واقعی خودشان بر روی زمین برای تأمین نیازمندیهایشان تلاش می کنند و راه حل مشکلات را نیز در همین جا تکاپو می



کنند و نه در دست به دعا برداشتن به سوی آسمان های دست نیافتنی می دانند و می بینند که چگونه مردم برای زنده ماندن و در دفاع از زندگی خود پا روی گلوی حکومتشان گذاشته و دارند آخرین نفسهایش را می گیرند. مهمتر اینکه می دانند که بن بست ها و شکست های منطقه ای و بین المللی شان هم ریشه در بن بست های داخلی ای دارند که مردم در مقابلشان قرار داده اند. می دانند جامعه ای که همه جوانب زندگی را طلبکار هستند و مردمی که دادخواه زندگی هستند جمهوری اسلامی را به جرم کشتن زندگی مورد یورش قرار داده و به این وضعیت مرگبار دچار کرده اند.

درخواست امروز خامنه ای به دست به دعا شدن و توکل کردن به خدا یک تفاوت اساسی با درخواست های سابق برای بازگرداندن حیات به خمینی و دیگر سران حذف شده حکومتی که چیزی غیر از ادا درآوردن نبود، دارد. اجساد خمینی و دیگران در هزارتوهای بیمارستان ها و سردخانه های فوق امنیتی خارج از دید عموم بود که توانستند تا فراهم کردن شرایط مناسب برای اعلام رسمی مرگشان بازی های عوامفریبانه در بیاورند. ولی پیکر در حال احتضار جمهوری اسلامی قابل پنهان کردن نیست. مردمی که آن را به این روز انداخته اند، جان کندن هر لحظه اش را مشاهده می کنند و پا را محکم تر بر روی گلویش فشار می دهند.

این اعلام افلاس و ورشکستگی و ناامیدی از نجات حکومت توسط خامنه ای در شرایطی است که از هر گوشه جامعه مورد یورش واقع شده و حلقه های اتحاد بخش های معترض جامعه از کارگران، بازنشستگان، معلمان، زنان، دانشجویان، دادخواهان، مخالفان اعدام و خانواده های زندانیان سیاسی به زنجیره ای تبدیل شده و هر آن گردن حکومت را بیشتر می فشارد. هر قدر که سران رژیم عوامفریبانه با گردن کجی به تقصیراتشان در ایجاد شرایط ورشکستگی اقتصادی و تحمیل وضعیت وخیم معیشتی و فقر و فلاکت بر اکثریت مردم کارگر و زحمتکش اعتراف کردند و ضمن اعلام ناتوانی هایشان در رفع آنها و قبحانه از مردم طلب بخشش و درخواست تحمل بیشتر مشقات کردند، با تشدید اعتراضات عمومی و اعتصابات کارگری پاسخ گرفتند و نتوانستند باعث کاهش تنفر و ملایم کردن فضای ضدیت عمومی با حکومت شود. کاملاً طبیعی و به حق است که مردم به تنگ آمده از فقر و گرانی و گرسنگی، مردم به تنگ آمده از خفقان و سرکوب و اعدام های هر روزه، مردم بیزار از خرافات و ارتجاع و عقب ماندگی و مردم متنفر از تبعیض و نابرابری از دیدن وضعیت کنونی حکومت و بر زبان آوردنش توسط خامنه ای و دیگر جنایتکارانی که چنین حکومتی را که همه این ویژگی های ضد انسانی و همه کثافات دیگر را یکجا در خود دارد، بر جامعه حاکم کرده اند، خوشحال شدند و به وجد آیند.

اوضاع در مانده و رو به سرنگونی جمهوری اسلامی حاصل ۴۶ سال مبارزه مردم است که علی رغم حمایت ها و مماشات های دولت های ارتجاعی و مدافع نابرابری و تبعیض برای حفظ آن، از تلاش و مبارزه خود دست برنداشتند و بزودی بر مرگش خواهند رقصید.

## نگاهی به یک فراخوان در مورد دستمزدها

### یاشار سهندی

اصغر کریمی دبیر هیئت اجرایی حزب کمونیست کارگری در یادداشتی کوتاهی با اشاره به مسئله دستمزد و تلاش "پادوهای... که وظیفه شان خاک پاشیدن به چشم کارگران" است و تاکیدش مبنی بر اینکه تا "ستاد مزد دولت و کارفرمایان" یعنی شورای کدایی عالی کار رقیمی را تعیین نکند تحرکی میان کارگران دیده نمیشود، مشکل را در "اینجا"، در این عدم تحرکی یا به نوعی واکنشی دانسته است.

در ادامه ایشان خاطر نشان کرده است دستمزد تنها نباید به مسئله کارگران محدود بماند، مساله را مسئله "ده ها میلیون نفر" دانسته و تاکید کرده است "در همین سطح باید دنبال راهکار موثر" بود؛ برای همین فراخوان داده است: "باید گفتگویی در سطح نه تنها کارگران مراکز مختلف و تشکل های کارگری، نه تنها بازنشستگان و کادر درمان بلکه کل این جمعیت چند ده میلیونی را شروع کرد. و مثل هر فعالیت دیگری این کار فعالین همه این طیف های این جامعه است. اگر علیه اعدام یا برای آزادی زندانیان سیاسی یا دادخواهی کارزارهای وسیع و توده گیری شروع شده است، برای دستمزد و حقوق پایه مکفی که مساله زندگی هر روزه دهها میلیون نفر است، می توان جنبش و کارزارهایی بمراتب قدرتمندتر و توده ای تر سازمان داد. باید به فکر تشکلی در این سطح بود."

"مساله دستمزد"، صرفا به یک "مسئله کارگری" تبدیل شده است. هر وقت صحبت از دستمزد است ناخودآگاه هر کس که آنرا بیان میکند، و شنونده نیز، ذهنش معطوف به کارگر میشود، نه بقول اصغر کریمی "از جمله ۱۳ میلیون شاغل غیر رسمی، بازنشستگان، کادر درمان، معلمان، کارمندان، میلیون ها بیکار، اکثر قریب به اتفاق دانشجویان و جوانان، بسیاری از وکلا و نویسندگان، خانواده های دادخواه، کشاورزان و غیره...". چون ظاهرا بقیه بخشهای جامعه، از مثلا کارمند شهرداری بگیر تا کارمندان مثلا اداره دارایی و بانکها، پرستاران و معلمان حتی کارگران خدماتی "حقوق بگیر" محسوب میشوند، ایشان همه "کارمند دولت" تعریف میشوند.

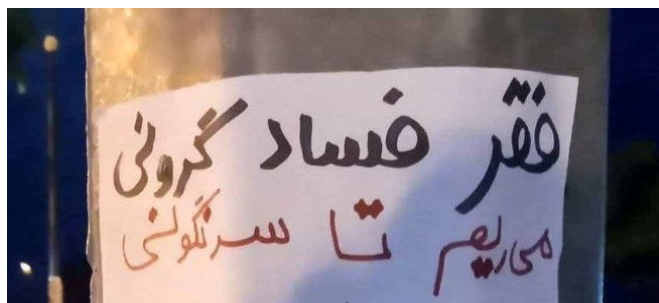
یک دیوار ضخیم میان حقوق بگیر و دستمزد کارگر کشیده شده است. در صورتی که از نگاه معیشت به آن پرداخته شود مسئله یکی است. اما جمهوری اسلامی آگاهانه آنرا به دو موضوع متفاوت تبدیل کرده است. البته این امر سابقه طولانی به اندازه عمر "دولت مدرن" در ایران دارد.

حقوق "کارمندان دولت" ردیف بودجه دارد و هرساله در لایحه بودجه درصد افزایش حقوق کارمندان دولت را در آن مشخص می سازند و "هزینه دولت" محسوب میشود. و هر وقت هم خواستند که از هزینه دولت بکاهند، به قول خودشان "کوچک سازی دولت"، به سرعت به سراغ نیروی کار در هر شکل آن میروند و دست به اخراجهای گسترده میزنند.

(یک نکته در حاشیه، هر چند که عین متن است؛ چند روز پیش رئیس جمهور آرژانتین یک "اره برقی" به هم جنس خود، ایلان ماسک هدیه داد. ایلان ماسک که از سوی ترامپ مامور شده است هزینه دولت را کاهش دهد، کیفر از این هدیه آنرا در هوا چرخاند. به نظرم اره برقی نماد گویایی است که چگونه سرمایه داری به معیشت و رفاه مردم یورش میبرد تا "صرفیدن"، "هزینه فایده" را معنی بخشد.)

همان پادوهای که اصغر کریمی به آنها اشاره کرده است همیشه سعی کردند این دیوار ضخیم میان کارمندان دولت و کارگران را حفظ کنند. و مرتب تاکید دارند درست است که افزایش بیست درصدی برای کارمندان هم کم است، اما آنها درفیشهای حقوقی شان ردیفهای در نظر گرفته شده است که به خوبی این درصد کم را جبران میکنند.

در تمامی سالهای دهه ۷۰ و هشتاد و تا نیمه های دهه ۹۰ جمهوری اسلامی در



انتهای هر سال و شروع سال جدید موج گرانی ها را به مسئله دستمزد کارگران گره میزد. و به نوعی جامعه را علیه دستمزد کارگران می شوراند، حتی خود کارگران را، تا آنجا که برخی از زبان کارگران می گفتند: حاضرند دستمزدها افزایش نیابد تا گرانی دامن زده نشود!

در دو ماهه اول همان سالها، کم گزارشات رسانه ای (اعم از رادیویی و تلویزیونی، روزنامه های حکومتی) تهیه نمی شد که در پی این بودند که موج گرانی که در ابتدای هر سال شکل میگرفت را به افزایش دستمزد کارگران ربط دهند.

اما از زمانی که موج گرانی، بخصوص از آبان ۹۸ که همگان شاهد بودند تورم و گرانی نه نتیجه افزایش دستمزدها، بلکه نتیجه سیاستهای غارتگرانه سرمایه داری حاکم بر ایران است.

در سالهای اخیر با مشاهده اینکه موج گرانی هر ماهه شکل میگیرد بی آنکه افزایش دستمزدی صورت گرفته باشد، نمی توانستند دیگر افزایش تورم را به افزایش دستمزدها گره بزنند و تازه اقتصاددانها و کارشناسان (نام دیگری برای برخی دیگر از "پادوهای" سرمایه داری) یادشان آمد که افزایش دستمزد تاثیر بسیار ناچیز بر قیمت ها دارد! و اعتراف کردند که در علم اقتصاد تورم یعنی "مالیات غیر مستقیم"، که جمهوری اسلامی برای جبران کسری بودجه هایش یورش وسیعی به سطح معیشت ۹۹ درصد جامعه سازمان داده و میدهد.

و نیز اینکه ورشکستی "کارگاههای کوچک" را به افزایش دستمزد کارگران ربط میدادند و این مورد هنوز هم مورد استفاده وسیع قرار میگیرد. دستمزد کارگر را مانعی برای رشد "بخش خصوصی" می شمارند، و این گونه جلوه میدهند که دولت مانده است که از کدام بخش دفاع کند! از کارگر به عنوان "مصرف کننده" و اینکه انگیزه اش برای کار کردن افزایش دهند، یا هوای "کار آفرین محترم" را داشته باشند که چگونه "بهره وری" از کارگران را بهبود بخشد و تولید برایش بصرسد.

مسئله دستمزد کارگران را چنان مانعی در تولید و موج گرانی میدانند که وزیر دولت رئیسی قصد داشت همین شورای کدایی عالی کار را دور بزند، تا اینقدر موضوع دستمزد کارگران در پایان هر سال رسانه ای نشود. ایشان تصمیم و در نظر داشت در مجلس تبهکاران اسلامی، در بودجه رقیمی را هم برای افزایش دستمزد کارگران در نظر بگیرند، و بخيال خام و احمقانه خود سر و ته قضیه هم آورده باشد.

اینها همه راههایی بوده که افزایش بسیار ناچیزی برای دستمزد کارگر در نظر بگیرند. آش آتقدر شور شده است که خود اسمش را "سرکوب مزدی" گذاشته اند.

فراخوان تاکید دارد که مسئله بر سر معیشت است که روز بروز سطح آن به سرعت سقوط میکند. بحث بر سر مبارزه یکپارچه برای معیشت و منزلت است. اینجا بحث بر سر "اتحاد کارمندان دولت و کارگران" نیست. بحث بر سر این نیست که بخشهای دیگر فقط از افزایش دستمزد کارگران دفاع کنند، آنهم فقط کارگران صنعتی، مسئله دستمزدها در ایران محدود کرده اند به "کارگران صنعتی"؛ در صورتی که مسئله معیشت همانگونه که اصغر کریمی اشاره کرده است موضوعی است مربوط به ده ها میلیون نفر. و اینکه با گرانی مداوم و سهمگین حاکم که روز بروز زندگی در



هم‌اکنون مدیریت دوره اول متوسطه دبیرستانی را بر عهده دارد با پرونده‌سازی سازمان اطلاعات سپاه، به اتهام "توهین به رهبری" و "تبلیغ علیه نظام" برای هجدهم اسفند ماه جهت محاکمه به دادگاه احضار شده است. او هم‌زمان طی ابلاغیه‌ای به تاریخ ۲۹ بهمن به دلیل مطالب صفحه شخصی‌اش در اینستاگرام به اتهامات "نشر اکاذیب" برای محاکمه در تاریخ ۸ اسفند به دادگاه کیفری ۲ شعبه ۱۰۸ قزوین احضار شد. یک کارزار مهم معلمان و کارگران پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات با خواست مشخص مسدود شده پرونده‌های امنیتی برای همه فعالین سیاسی و آزادی بدون قید و شرط معلمان، کارگران و تمامی زندانیان سیاسی است.

از سوی دیگر اعاده دادرسی به‌روز احسانی اسلاملو و مهدی حسنی دو زندانی سیاسی محبوس به اعدام در زندان قزلحصار کرج، توسط دیوان عالی کشور رد و پرونده آنان به اجرای احکام ارجاع داده شده است. بدین ترتیب در حال حاضر پخش‌شان عزیزی، وریشه مرادی، شریفه محمدی، به‌روز احسانی و مهدی حسنی در خطر اعدام هستند و سبعا به کارزار جهانی نه به اعدام پیوندیدیم و به نجات این عزیزان بشتابیم. تمامی احکام اعدام باید لغو و مجازات اعدام تحت هر عنوانی ممنوع باید گردد.

حزب کمونیست کارگری ایران - ۶ اسفند ۱۴۰۳، ۲۴ فوریه ۲۰۲۵

## تجمعات اعتراضی بازنشستگان مخابرات و اخباری دیگر

کارگر، معلم، اتحاد اتحاد

امروز دوشنبه ششم اسفند ماه کارگران شرکت صنعتی سایپا سبتروئن کاشان در اعتراض به مرد و مزایای پایین و مشکلات معیشتی خود و عدم اجرای طبقه بندی مشاغل دست به اعتصاب و تجمع زدند.

همچنین بنا بر گزارشات تکمیلی بازنشستگان تامین اجتماعی در روز گذشته علاوه بر شهرهای شوش، اهواز و تهران در رشت و شوشتر نیز تجمع اعتراضی بر پا کردند. همچنین بازنشستگان فولاد در اهواز نیز تجمع داشتند. در شوشتر بازنشستگان معترض شعار می‌دادند: "بازنشسته بپا خیز، وقت نشستن ات نیست"، "گرانی، تورم، بلای جان مردم"، "ما بازنشستگانیم دنبال حقمانیم"، "تا حق خود نگیریم، آرام نمی‌نشینیم"، "سالاری دروغگو، حاصل وعده هات کو"

در رشت نیز بازنشستگان تامین اجتماعی با شعارهای همچون "کارگر - معلم اتحاد اتحاد"، "کارگر زندانی آزاد باید گردد"، "از خوزستان تا گیلان ننگ بر مدیران"، "از گیلان تا ایران اتحاد اتحاد" اعتراض خود را علیه سرکوبگری‌های حکومت فریاد زده و بر اتحاد صفوف اعتراضی مردمی در سطح سراسری تاکید کردند.

معصومه عسگری معلم زندانی بابت اتهاماتی از جمله تبلیغ در قالب همکاری با گروه‌های ضد نظام و عضویت در گروه‌های مخالف نظام به سه سال حبس محکوم شده است. همچنین کبری طاهرخانی از معلمان قزوین با ۲۶ سال سابقه که

## اعتراض متحدانه کارگران رسمی و بازنشستگان شرکت ملی

مناطق نفت خیز جنوب



بنا بر گزارشات منتشر شده روز گذشته ۵ اسفند کارگران رسمی شاغل در شرکت ملی مناطق نفت خیز جنوب در ادامه اعتراضاتشان مقابل ساختمان اداری این شرکت تجمع داشتند و زمانی که کارگران بازنشسته برای پیوستن به همکاران خود به محوطه شرکت رفتند نیروهای امنیتی مانع ورود آنان شده و درهای شرکت را به روی آنها بستند. در واکنش به این اقدام کارگران رسمی در حمایت از همکاران بازنشسته خود در سمت درب اصلی تجمع کردند و طی سخنانی این اقدام را محکوم کرده و بر ضرورت اتحاد و همبستگی تاکید کردند. تجمع کنندگان نیز با شعار "اتحاد اتحاد" گفته سخنرانان را همراهی کردند و علیه دست اندازی به صندوق بازنشستگی شعار دادند "صندوق را غارت کردند، ما را بیچاره کردند". کارگران بازنشسته در روزهای گذشته در همین رابطه و در اعتراض به پایین بودن مقرری بازنشستگی و کاهش هر

روزه قدرت خرید خود تجمعاتی داشته‌اند. مهم مطالبات کارگران رسمی عبارتند از: حذف سقف حقوق، اصلاح کف حقوق

برای کارگران جدید استخدام، عدم ادغام صندوق بازنشستگی نفت با سایر صندوقهای ورشکسته، حذف کامل سقف بازنشستگی و پرداخت کامل سنوات کارگران، بازگرداندن مالیاتهای وضع شده مطابق با قوانین موجود، اجرای کامل مفاد ماده ۱۰ و پرداخت معوقات آن.

اعتراضات بر سر معیشت و رفاه و علیه گرانی و فقر و بی‌تامینی بخش‌های مختلف جامعه را در بر گرفته است. اتحاد اتحاد علیه فقر و فساد شعار متحد کننده صفوف این اعتراضات است.

حزب کمونیست کارگری ایران - ۶ اسفند ۱۴۰۳، ۲۴ فوریه ۲۰۲۵

از صفحه ۵

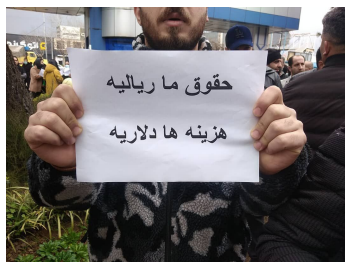
## نگاهی به یک فراخوان ...

موضوع معیشت نیز برای این حکومت، به مسئله بود و نبود آن تبدیل شده است. جمهوری اسلامی نه به بخاطر اینکه نمی‌تواند، بلکه نمی‌خواهد کوچکترین قدمی برای رفاه مردم بردارد. حکومتی که باندهای مافیایی بر کل ثروت جامعه چنگ انداخته‌اند و استعمار بی حد و حصر و وسیعی و خشنی را سازمان داده است، در این مورد هم نمی‌تواند عقب نشینی کند و به سرنگونی خود گره زده است. برای همین معیشت و منزلت نه صرفاً یک خواسته مطالباتی "جامانده"، بلکه یک آلترناتیو در مقابل جمهوری اسلامی و کلا نظام سرمایه داری در ایران است.

آن تشکل مورد نظر فراخوان فوق، باید ناظر به این موضوع باشد که معیشت و منزلت را به شعار همگانی ۹۹ درصد جامعه تبدیل کند.

ایران سخت تر میکند، مسئله افزایش دستمزدها باید در طول همه سال مطرح باشد. فراخوان اصغر کریمی قابل توجه است، اما اکنون موضوع معیشت تنها به افزایش دستمزدها گره نخورده است، به بود و نبود حکومت اسلامی وابسته شده است. شعار "فقر فساد گرونی میریم تا سرنگونی" بیانگر همین موضوع است.

نکته مهمی که در فراخوان اصغر کریمی است این است که موضوع معیشت و در ادامه آن و در واقع در تکمیل آن منزلت، یک موضوع همگانی است. میتوان بر سر این موضوع اتحاد سراسری برای سرنگونی حکومت شکل داد.



زمینی با کیفیت و ارزان و قابل دسترس عموم است. مورد بعدی استفاده از امکانات آموزشی و فرهنگی رایگان و با کیفیت برای کودکان مزدبگیران که شامل تحصیل، آموزش مهارت‌های هنری و اجتماعی و امکان بهره‌گیری از امکانات عمومی برای رشد و زندگی سالم برای کودکان و هم‌والدینشان است.

در کنار این مواردی که تنها تیترا بعضی از اقلام عمده سبب معیشت ذکر شد، که تعیین‌کننده نوع و سطح زندگی انسان هاست؛ به درک حاکمان و شارلاتان‌های دزد نظری بیافکنیم. انتظار آن‌ها از مزدبگیران این است که کمیت و کیفیت تغذیه روزانه را در حد چند عدد تخم مرغ، سیب زمینی، نان و احياناً خیارشور - برای رنگین کردن سفره - پایین بیاورند. مسکن شان با پایین‌ترین کیفیت و ایمنی در حاشیه شهرها و آبادی‌ها و یا با اندکی امکانات ولی قیمت‌های سرسام‌آور در مناطق پایین شهر، که با وسائل نقلیه عمومی که شلوغ، پر مراجع، ناایمن و از استاندارد خارج شده که با همه این نقایص، با تأخیرهای فراوان به امورات خویش بپردازند. بهداشت و درمان و دارو هم که "به امان خدا". چرا که هزینه‌های آن به حدی سرسام‌آور است که دولت‌ها در سال‌های اخیر، به کلی از قبول مسئولیت آن سر باز زده - با آنکه پولش را پیش از آنکه به جیب زده‌اند - از پرداخت بدهی‌ها و تعهدات خویش به بیمه و تأمین اجتماعی شانه خالی می‌کنند و افسار بهداشت، سلامت و درمان جامعه را بدست مافیای پزشکی و درمان و دارو سپرده‌اند و تنها "تلکه" خود را از این رذائل دریافت می‌کنند. عبارتی به جامعه ۸۰ میلیونی بصراحت می‌گویند؛ "پول نداری؟ بمیر!"

برای نیروی کارکنی که درگیر این همه مشکلات و کمبود و نیاز است، اوقات فراغت و پرداختن به خواست‌ها و مطالبات فرهنگی - هنری و گردش و تفریح، بیشتر به رویا شبیه است. چراکه اگر قادر باشد با اضافه کاری و یا کار دوم، به نیازهای معمولی و ساده معیشتی - آنهم نه در حد استاندارد، که در حد بخور و نمیر - پاسخ دهد، تنها فرصت اندکی استراحت برای راهی شدن به قربانگاه کار می‌شود.

ترفند رذیله‌دانه دیگر در تعیین سبب معیشت کارگران، سنجش همان مقادیر محدود و بی‌کیفیت - که هیچگاه حتی به یک قدمی نرخ استاندارد نزدیک نشده - به قیمت ریال است که همواره در حال سقوط و از دست دادن ارزش برابری در مقابل دلار است. با آنکه هم دولت و هم صاحبان کالا و خدمات، با نرخ دلار تعیین و عرضه می‌کنند. این یعنی مبنایی که خود به آن اعتقاد نداشته و از آن تبعیت نمی‌کنند را به جامعه مزدبگیران تحمیل می‌کنند. این یکی از آن مواردی است که ما جامعه مزدبگیران به آن اعتراض داشته و تا سرنگونی کامل این قاعده، از پا نمی‌نشینیم.

موضوع کاملاً روشن است! دزدان و غارتگران حاکم، حاضر نیستند حتی از تولید ثروت - هزینه بقا و زندگی استاندارد ما کارگران را بپردازند. جالب اینکه همه این ثروت را ما تولید کرده‌ایم. نوبت که به ما می‌رسد، باید با سیب زمینی، نان، تخم مرغ و دیگر اقلام بی‌کیفیت برای بقا خود قانع شویم. باید بلندتر از این فریاد زد؛ نه! اینجا پایان کار است.

در سایه دقت و توجهات بی‌کم و کاست حضرات دزد در به یغما بردن محصول تولید ما - ثروت و "نعمت" -، زندگی محقرانه کارگران، تبدیل به زندگی قسطی شده است. این خود آخرین نسخه از کرامات دزدان است که حتی نان، تخم مرغ، سیب زمینی و پیاز و دیگر اقلام ضروری و بعبارتی "قوت لایموت" را به شکل نسیه و قسطی تهیه کنیم؛ تا مگر در چیزی از تولید ثروت و منفعت برای "عالی جنابان" کم

## سبب معیشت و مزد مصوب؛ عامل فقر و فلاکت بیشتر کارگر کارگاهی - حمید دائمی

این روزها که نزدیک به خیمه شب بازی "تعیین دستمزد" می‌شود، یکی از چیزهایی که بسیار درباره آن اظهارنظر می‌شود و زیاد می‌شنویم؛ سبب معیشت است که به منزله چوب "دوسر نجسی" است، که دو طرف دعوا، آن را گردن نمی‌گیرند. برای روشن تر شدن موضوع بهتر است ابتدا روشن کنیم، اساساً این مقوله چیست و چرا دو طرف این مجادله - دولت و همه‌اعوان و انصار حاکمیت سرمایه و کارگران و مزدبگیران و خانواده بیش از ۸۰ میلیونی آنها - بر سر آن نزاع دارند.

طبق ماده ۴۱ (تبصره ۲) قانون کار، معیار تعیین دستمزد، سبب معیشت است. اما خود سبب معیشت از قضا، معیاری جهت تعیین سطح زندگی کارگران در نظر گرفته می‌شود. پس موضوع کاملاً روشن است، دعوا سر تعیین سطح زندگی نیروی کار و وابستگان است. در چارچوب نظام سرمایه داری، کسی که مزد را می‌پردازد - خریدار نیروی کار -، خود را تعیین‌کننده سطح زندگی و رفاه کسی میدانند که نیروی کار خود را می‌فروشد. اما ما کارگران این قاعده را در کل نمی‌پذیریم و این جدال از ابتدای ظهور این سیستم که مبتنی بر کارمزدی است، وجود دارد و بخش مهمی از مبارزه طبقاتی است.

بهتر است نگاهی بیاندازیم به محتویات این سبب، که اتفاقاً از همینجا دعوا عینی و قابل رؤیت است. آنچه علی‌القاعده در این سبب قرار می‌گیرد می‌بایست شامل: تغذیه، پوشاک، بهداشت و درمان، آموزش، مسکن، حمل و نقل، هنر و هزینه تفریح و اوقات فراغت و موارد دیگری که جزئیات بسیاری دارد که از پیش تعیین نمی‌شود.

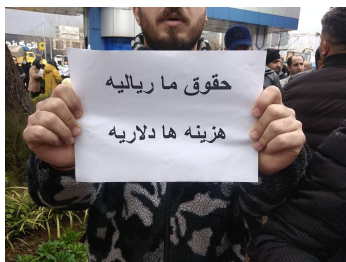
ناگفته پیداست که همه این موارد، اجزاء ضروری و انکارناپذیر زیست طبیعی و سالم در چارچوب زندگی متمدن امروزی است. اما سرمایه حاکم دقیقاً از همینجا به مزد و در نتیجه معیشت و زیست انسانی ما مزدبگیران حمله می‌کند. عبارتی فکر میکنند این آنها هستند که باید حکم کنند؛ ما چه بخوریم، چه بپوشیم، کجا زندگی کنیم، چقدر به خودمان استراحت و تفریح بدهیم و الی آخر.

به خودشان جسارت می‌دهند که: اولاً کمیت یا مقدار آن را بر اساس قیمت و هزینه‌ای که برای مالکان سرمایه یا کارفرمایان دارد، در نظر بگیرند. یعنی اینکه مبنای آن، حیات و زندگی طبیعی و نرمال انسان کارکن نیست و حجم سبب معیشت را با مقادیر و اقلامی فرض می‌گیرند که خرج زیادی دست کارفرما نگذارد و تنها کفاف زنده ماندن را بدهد و نه مثل انسان - به معنای درست آن - زندگی کردن. در نتیجه به همین نسبت، کیفیت و مرغوبیت کالاهای اساسی را تعیین می‌کنند. یعنی اینکه هرچه کم هزینه تر باشد و بهتر و سودمندی و اثرات مواد و مایحتاج زیستی را تنها برای زنده ماندن نیروی مزدبگیر در نظر می‌گیرند. این شامل تغذیه، که امروزه میزان کالری لازم و راه‌های کسب آن از مواد مغذی سالم و نه غیر بهداشتی و غیر استاندارد مشخص می‌شود. پوشاک که لازمه حفاظت از فیزیک در محیط‌های متفاوت فصلی و اقلیمی طراحی و تعریف شده است. بهداشت و درمان که استانداردهای بسیار غنی و پیشرفته‌ای در سطح جهانی بدست آمده و برای حفاظت از سلامتی و درمان بیماری‌های ناشی از زندگی ماشینی و آلودگی‌های زیست محیطی و محیط کار عارض می‌شود. این شامل همه موارد سلامتی و درمان است که دندانپزشکی و بیماری‌های صعب‌العلاج و پرهزینه نظیر انواع سرطان‌ها و بیماری‌های مزمن و ژنتیکی را شامل می‌شود. مسکن که با تعاریف امروزی شامل سرپناهی مجهز به امکانات رفاهی و آسایشی مدرن و امنیت لازم برای زیست افراد و خانواده، با ویژگی دسترسی به امکانات رفاهی و خدمات شهری در نظر گرفته شده است.

حمل و نقل خصوصی و عمومی لازم برای زندگی استاندارد، که اولین ویژگی آن ایمنی و راحتی برای استفاده‌های روزمره و مواردی نظیر سفرهای هوایی، دریایی و

## تجمع پرستاران و کادر درمان در زنجان و اصفهان

"دلار شده ۱۰۰ تومن، اضافه کار ۲۰ تومن!"



برای سال آتی این موضوع به بحث داغی در میان کارگران تبدیل شده است. اعلام سبد معیشتی ۲۴ میلیونی از سوی این کمیته به عنوان مبنایی برای تعیین

میزان حداقل دستمزدها با موجی از اعتراض روبرو شده است. در اعتراض به آن شورای بازنشستگان ایران مینویسد "طبقه کارگر ایران سبد معیشتی ۲۴ میلیونی تعیین شده را قبول ندارد. وقتی حداقل هزینه یکمبار برای یک خانوار ۴ نفره بیش از ۶۰ میلیون تومان است، با حقوق یک سوم زیر خط فقر چگونه باید زیست؟! هزینه های واقعی زندگی در سبد معیشت باید مبنای تعیین مزد باشد. افزایش آن طبق تورم در طول سال باید بررسی و اجرا شود. در شرایطی که زندگی میکشیم و ارزش پول دائم در حال کاهش است، افزایش مزد یکبار در سال قابل قبول نیست."

حزب کمونیست کارگری همه بخش های کارگری را به اعتراض متحدانه برای دفاع از حقوق و معیشت انسانی و علیه زدن چوب نرخ نیروی کار کارگران در سیرک مسخره شوراییالی کار فرا میخواند. با بیانیه های مشترک کارگری صف اعتراض خود را علیه بساط فقر و فساد حاکم و تعرضات معیشتی حکومت شکل دهیم. زندگی انسانی حق مسلم ماست.

حزب کمونیست کارگری ایران

۴ اسفند ۱۴۰۳، ۲۲ فوریه ۲۰۲۵

امروز چهارم اسفند پرستاران زنجان در اعتراض به عدم پرداخت معوقات ویی پاسخ ماندن مطالبات خود در مقابل استانداری تجمع و اعتراض کردند.

اعتراضات بخشهای مختلف پرستاران هر روزه است. در این هفته پرستاران در بیمارستانهای مشهد، بیمارستان بهشتی کاشان، بیمارستان میلاد تهران و پزشکان بخش بهداشت استان هرمزگان تجمع و اعتراض داشتند. پرستاران و کادر درمان در روز سی ام بهمن ماه نیز در بیمارستان الزهرا در اصفهان در اعتراض به پرداخت تبعیض آمیز و غیر عادلانه ی تعرفه، کارانه و اضافه کار و سطح نازل دستمزد و سایر مطالباتشان تجمع داشتند و با شعار "دلار شده ۱۰۰ تومن، اضافه کار ۲۰ تومن!" اعتراض خود را به سونامی گرانی که زندگی و معیشت کل جامعه را به نابودی کشانده است، صدای اعتراضشان را بلند کردند.

اهم مطالبات پرستاران و کادر درمان عبارتند از: افزایش حقوقها متناسب با افزایش نرخ دلار و متناسب با تورم، حذف کامل اضافه کاری های اجباری و بهبود کار کادر درمان و افزایش نرخ اضافه کاری های توافقی متناسب با افزایش دلار و تورم، بازگشت به کار و استخدام پرستاران اخراجی، اصلاح نظام پرداخت و رفع تبعیض، ارتقای تعرفه های پرستاری براساس افزایش تورم و... به گفته پرستاران دستمزد کمتر از ۶۰ میلیون تومان با دلار بالای ۹۰ هزار، مطلقا کفاف حداقل زندگی را نمیدهد. آنها خواستار افزایش فوری دستمزدهایشان هستند.

خواست افزایش دستمزدها، خصوصا با افزایش نجومی نرخ دلار و سقوط ارزش ریال و سونامی گرانی یک خواست سراسری در کل جامعه است. بویژه در ماههای آخر سال و شروع کار کمیته مزد جمهوری اسلامی برای تعیین حداقل دستمزدها

## سبد معیشت و مزد مصوب؛ ...

از صفحه ۷

همیشه دست بکار تغییر قواعد حاکم بر سرنوشت و زندگی خود هستیم؛ که مطمئن ترین آن، سرنگونی همه بساط این دزدان عارتگر سرمایه اسلامی است.

### کارگران، مزدبگیران، همقطاران!

اکنون نوبت ماست تا بساط خیمه شب بازی و شارلاتانیسم این دزدان را بر هم بریزیم. آنها بهتر از ما می دانند که "بدون ما، کارشان تمام است". ما نه تنها شورای عالی کار (کمیته دستمزد)، مصوبات توهین و تحقیر آمیز و سیاست های ضد کارگری وزارت کار و همه دولت، بلکه تمام حاکمیت سرمایه را برای تصمیم گیری در باره زندگی بیش از ۸۰ میلیون مزدبگیر، به رسمیت نمی شناسیم. با اعتراضات و اعتصابات خود به همه این جنایات پایان دهیم. چاره کار ما پیوند زدن اعتراضات و اعتصابات مان به یکدیگر و سراسری کردن آن است.

این تنها راه ما برای پایان دادن به حقارت ها و فلاکتی است که از طریق تحمیل مزدهای چندین بار زیر خط فقر و گرانی ها و تورم افسار گسیخته و گشوده، بر زندگی ما زحمتکشان آوار شده است. برای خلاصی از این آوار فقر و فلاکت و برای رهایی از بردگی و بندگی تحمیلی جنایتکاران حاکم؛ به گسترش مبارزات و سراسری و متحد کردن آن کوشش بورزیم. چاره کار به پیروزی رساندن انقلاب زن زندگی آزادی است که متضمن رفاه، آسایش و رفع هرگونه تبعیض و نابرابری است و این از طریق سرنگون کردن بساط جنایتکاران سرمایه اسلامی ممکن می شود.

مزد و معیشت انسانی، حق مسلم ماست

فقر فساد گرونی، میریم تا سرنگونی

زنده باد انقلاب زن زندگی آزادی

نگذاریم.

این همه توجه و انتظار غارتگران جنایتکار از ما مزدبگیران است. این نظم کثیف و خونین، با همه مفتخوران و وابستگانش را باید به زباله دان تاریخ سپرد. این خواست جمعیت ۹۹ درصدی جامعه است. لحظه ای نباید در آن درنگ کرد و کار این جنایتکاران را همین امروز باید یکسره کرد.

برای ما کارگران، مزد و معیشت تنها یک معیار دارد و آن درجه زیست استاندارد و انسانی است. این طفیلی ها که "عالی منصبان" -بزعم خویش - نثار ما می کنند؛ لایق خودشان است که از انسانیت بویی نبرده اند. ما همه آن چیزها که لایق زیست انسانی و حقیقی همه مزدبگیران است را خواهانیم و حتی ذره ای پایین تر از آن را در شأن هیچ انسان کارکن و زحمت کش نمی دانیم. گاهی با شیوه های رذیلانه و شارلاتانی، بین کارگر و کارمند و دیگر اقشار تفاوت قائل می شوند. معیشت انسانی، حق همه آتانی است که برای زندگی شرافتمندانه و انسانی تلاش می کنند و چشم طمع به دسترنج دیگر زحمتکشان ندارند. ما کارگران سبد معیشتی که متضمن زندگی سالم، ایمن، استاندارد و شرافتمندانه است را معیار تعیین دستمزد میدانیم. برای ما هرکسی باندازه نیازش می بایست از این مقدار ضروریات زندگی بهره مند شود.

در نتیجه ما نه تنها سبد معیشت تعیینی توسط شورای عالی کار که معیار تعیین سطح زندگی حقیرانه و جانفرسای مزدبگیران است را نمی پذیریم؛ که کل نظامی که درصدد بهره کشی از انسان تا آخرین ذرات نیرو و نفس است را نمی پذیریم و همانند



## تجمع کارگران ارکان ثالث در پالایشگاه گاز فجر جم و اخباری دیگر



بهمن ماه کارکنان شرکت کارخانجات مخابراتی ایران در اعتراض به سطح نازل حقوقها و تعویق پرداخت ۵ ماه مزد خود تجمع کردند. کارگران میگویند آنها برابر کف حقوق اداره کار مزد میگیرند و خدابخشی مدیر عامل شرکت نیز زیر بار پرداخت حقوق معوقه کارگران نمی رود. در این روز همچنین کارکنان بازار غرب تهران ایرانمال به دلیل عدم پرداخت دو ماه حقوق و مشکلات زیستی مقابل ساختمان اداری تجمع کردند. طبق گزارشات این تجمع با مداخله لباس شخصی ها و به دستور فرهادی عنصر حکومتی و مسئول جدید حراست ایرانمال روبرو شد و لباس شخصی ها و نظامیان اقدام به فیلمبرداری از چهره معترضین کردند و با تهدید به بازداشت، سعی در متفرق کردن تجمع کنندگان داشتند.

دستمزدهای چند بار زیر خط فقر، تعویق پرداخت دستمزدها، سونامی گرانی و بیکاری و اختلاسها و چپاولگریها موضوعات مشترک اعتراضات بخشهای مختلف کارگران بر سر معیشت است. حزب کمونیست کارگری بر اتحاد مبارزاتی بخش های مختلف کارگری و رفتن بسوی اعتصابات سراسری تاکید دارد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۳۰ بهمن ۱۴۰۳، ۱۸ فوریه ۲۰۲۵

امروز سی ام بهمن ماه کارگران ارکان ثالث در پالایشگاه گاز فجر جم در ادامه سه شبه های اعتراضی خود برای پیگیری مطالباتشان تجمع کردند. خواستهای فوری اعلام شده کارگران ارکان ثالث عبارتند از: افزایش مزد، حذف شرکت های پیمانکاری، اصلاح طرح طبقه بندی مشاغل، اجرای طرح اقماری تردد برای تمامی کارگران پیمانکاری، همسان سازی حقوق و استفاده از خدمات رفاهی پالایشگاه در شرایط برابر با سایر ارکان استخدامی، کرامت انسانی و امنیت شغلی، گاز کارت، مرخصی، اضافه کاری صحیح و اصولی، حقوق و مزایا متناسب با گرانی و وضعیت بازار و...

امروز همچنین کارگران هولدینگ پتروشیمی بندرامام در ماهشهر در اعتراض به وضعیت بد معیشتی و عدم پاسخگویی به خواستهایشان دست به اعتصاب زدند.

اعتراضات در نفت گسترده است. روز گذشته بیست و نهم بهمن ماه کارگران رسمی شرکت نفت در فلات قاره در لاوان در ادامه اعتراضات خود دست به تجمع زدند. اهم مطالبات کارگران رسمی نفت عبارتند از: - حذف تفکیک مشاغل در مناطق عملیاتی - خارج نمودن فوق العاده های مناطق عملیاتی از سقف حقوق - اصلاح کف حقوق برای کارگران جدید استخدام - عدم ادغام صندوق بازنشستگی نفت با سایر صندوقهای ورشکسته - حذف کامل سقف بازنشستگی و پرداخت کامل سنوات کارگران - مرجوع نمودن مالیاتهای وضع شده مطابق با قوانین موجود - اجرای کامل مفاد ماده ۱۱۰

در این روز اعتراضات کارگران شرکت پایانه ها و مخازن پتروشیمی ماهشهر نیز وارد دومین روز خود شد. و خواستهای فوری آنها عبارتند از: عدم اجرای تبدیل وضعیت کارگران مطابق با شرکت های همجوار، عدم اجرای مصوبات مجمع عمومی شرکت، پرداخت نشدن اضافه کار (علیرغم گرفتن رای دیوان عدالت اداری) و جلوگیری از دخالت برخی مدیران سابق در امور شرکت پایانه ها و مخازن.

اعتراضات بر سر معیشت و علیه فقر و گرانی ابعادی اجتماعی دارد. امروز سی ام

## تجمع کارگران رسمی ورودی آزمون ۹۲ نفت و یک خبر دیگر



صبح این روز همچنین جمعی از بازنشستگان ارتش در اعتراض به عدم اجرای صحیح قانون همسان سازی حقوق ها و سونامی گرانی مقابل کانون بازنشستگی کل آجا ارتش تجمع کردند. به گفته این بازنشستگان عدم اجرای صحیح قانون همسان سازی سبب شده مبلغ اضافه شده به مستمری آنان بسیار ناچیز باشد. اجرای همسان سازی و افزایشی حقوقها به بالای نرخ سبد معیشتی ۶۰ میلیونی بعلاوه درمان رایگان مطالبه همه بخش های بازنشستگان است.

حزب کمونیست کارگری ایران - ۴ اسفند ۱۴۰۳، ۲۲ فوریه ۲۰۲۵

امروز چهارم اسفند کارگران رسمی ورودی آزمون سال ۹۲ نفت بخاطر مشکلات معیشتی و شغلی خود مقابل دفتر شرکت مناطق نفت خیز جنوب در اهواز تجمع کردند. طبق گزارشات منتشر شده آزمون ورودی در نفت در سال ۹۲ در زمان احمدی نژاد برگزار شد. در دوره روحانی متوقف ماند و روند استخدام این کارگران از سال ۹۳ تا سال ۹۵ بطول انجامید. از سال ۹۳ تغییراتی در مقررات استخدامی شرکت نفت روی داد و مدت زمان اشتغال پیمانی آنان از متوسط دو سال به پنج سال برای مقطع کاردانی تا ارشد افزایش پیدا کرد. بعلاوه اینکه تعدیل مدرک فقط یکبار و آنهم فقط یک مقطع قابل انجام شد. اما بازننگری ای در جدول استخدامی آنان صورت نگرفت. این تغییرات تعرضی به معیشت این کارگران بود و باعث شد حقوق پایه این استخدامی ها پایین تر از نیروهای پیمانکاری و مبلغی بین ۵ الی ۶ میلیون تومان و با احتساب بالاترین ضریب مناطق عملیاتی، حق شیفت، دوری از خانواده و غیره دریافتی آنان حداکثر به ۲۵ تا ۳۰ میلیون تومان آنهم در جاهایی مانند اهواز و سکوهای نفتی برسد. امروز این کارگران در اعتراض به این مشکلات تجمع کرده و شعار میدادند: "جدول بدو اسخدام اصلاح باید گردد"، "مسکن نمیخواهیم، درمان باید کنید"،

## کارگران در هفته ای که گذشت : تنظیم کننده کارگر کمونیست



دوشنبه ۶ اسفند:

-کارگران شرکت صنعتی سایپا سیتروئن کاشان در اعتراض به مرد و مزایای پایین و مشکلات معیشتی خود و عدم اجرای طبقه بندی مشاغل دست به اعتصاب و تجمع زدند.

-معصومه عسگری معلم زندانی بابت اتهاماتی از جمله تبلیغ در قالب همکاری با گروه‌های ضد نظام و عضویت در گروه‌های مخالف نظام به سه سال حبس محکوم شده است.

-کبری طاهرخانی از معلمان قزوین با ۲۶ سال سابقه که با پرونده‌سازی سازمان اطلاعات سپاه، به اتهام "توهین به رهبری" و "تبلیغ علیه نظام" برای هجدهم اسفند ماه جهت محاکمه به دادگاه احضار شده است

-اعاده دادرسی بهروز احسانی اسلاملو و مهدی حسینی دو زندانی سیاسی در زندان قزلحصار و محکوم به اعدام توسط دیوان عالی کشور رد و پرونده آنان به اجرای احکام ارجاع داده شده است. به نجات جانشان بشتابیم.

یکشنبه ۵ اسفند:

-بازنشستگان تامین اجتماعی همانند دیگر یکشنبه ها در اعتراض به سونامی گرانی و اختلاس و سرکوب و عدم پاسخگویی به مطالباتشان در شهرهای شوش، اهواز، تهران، شوشتر ورشت تجمع کردند.

-بازنشستگان فولاد نیز مثل هفته های گذشته در اصفهان و اهواز در خیابان نشاط تجمع و راهپیمایی داشتند

-بهورزان شهرستان میناب در هرمزگان در اعتراض به تبعیض‌های حقوقی و بی‌عدالتی در پرداخت‌ها، در محل برگزاری آزمون سالانه بهورزی در دانشگاه پیام نور تجمع کردند و خواستار پرداخت معوقات و برقراری ترمیم و احتساب ۲ سال سنوات خدمتی حقوق شدند.

-کارگران رسمی شاغل در شرکت ملی مناطق نفت خیز جنوب در ادامه اعتراضاتشان مقابل ساختمان اداری این شرکت تجمع داشتند و زمانی که کارگران بازنشسته برای پیوستن به همکاران خود به محوطه شرکت رفتند نیروهای امنیتی مانع ورود آنان شده و درهای شرکت را به روی آنها بستند. در واکنش به این اقدام کارگران رسمی در حمایت از همکاران بازنشسته خود در سمت درب اصلی تجمع کردند

- شنبه ۴ اسفند:

- کارگران رسمی ورودی آزمون سال ۹۲ نفت بخاطر مشکلات معیشتی و شغلی خود مقابل دفتر شرکت مناطق نفت خیز جنوب در اهواز تجمع کردند.

- فشارهای معیشتی بخشهای مختلف بازنشستگان حتی بخشهای لشکری و ارتشی را نیز به اعتراض کشیده است. صبح این روز جمعی از بازنشستگان لشکری در اعتراض به عدم اجرای صحیح قانون همسان‌سازی حقوق ها و سونامی گرانی مقابل کانون بازنشستگی کل آجا ارتش تجمع کردند.

- پرستاران زنجان در اعتراض به عدم پرداخت معوقات و بی پاسخ ماندن مطالبات خود

در مقابل استانداری تجمع و اعتراض کردند.

جمعه ۳ اسفند:

- با گذشت دو هفته از بازداشت کامران ساختمانگر فعال کارگری و زندانی سیاسی سابق، به جز روزهای اول که اداره اطلاعات سندج بازداشت او را تایید کرد دیگر اطلاعی از وضعیت او در دست نیست و این بی خبری موجب نگرانی خانواده، دوستان و همگان شده است. او در هفدهم بهمن ماه دستگیر شد.

پنجشنبه ۲ اسفند:

- کارگران ارکان ثالث در شرکت نفت فلات قاره در منطقه لاوان در ادامه اعتراضاتشان و در اعتراض به فرمایشی شورای عالی کار و پایین بودن مزد و قدرت خرید کارگران دست به تجمع اعتراضی زدند.

- مردم در شهر زابل در رابطه با قطعی دائمی برق و خسارات ناشی از آن از جمله سوختن بسیاری از لوازم برقی خانگی بدلیل نوسانات و قطع و وصل شدن برق و نیز ضررهای ناشی از کساد بازارها و کار کسبه، مقابل اداره برق این شهرستان تجمع کردند.

- مهندسين مشاور نیز در اعتراض به مشکلات شرایط کاری و وضعیت استخدامی خود جلوی استانداری آذربایجان غربی تجمع کردند.

چهارشنبه ۱ اسفند:

- پرستاران بیمارستان بهشتی کاشان در اعتراض به مبلغ کم اضافه کاری، سطح نازل حقوق و مزایا و تاخیر در برخی پرداخت ها، سیستم تبعیض آمیز پرداخت کارانه، تعرفه‌گذاری و نیز اضافه‌کار اجباری با دستمزد ناچیز تجمع کردند.

- پزشکان بخش بهداشت استان هرمزگان طی نامه ای سرگشاده به ریاست دانشگاه این استان، با اعتراض از تاخیر در پرداخت مطالبات خود، از اعتصاب به شکل امتناع در ارائه خدمات به جز در موارد اورژانسی خبر دادند.

-- داروسازان اهواز، در اعتراض به تأخیرهای مکرر بیمه تأمین اجتماعی در پرداخت مطالبات داروخانه‌ها در مقابل دفتر اسناد پزشکی این سازمان تجمع کردند.

- محمد حبیبی سخنگوی کانون صنفی معلمان تهران در میان استقبال خانواده و دوستان آزاد شد. آزادی محمد حبیبی را به وی، به خانواده اش و به همگان تبریک می‌گوییم. محمد حبیبی به خاطر اعتراض به مسمومیت سریالی دانش‌آموزان، محکوم به شش ماه حبس ظالمانه شده بود و با پایان دوره حبس و با احتساب ایام بازداشت موقت، از زندان آزاد شد.

- بنا به خبر منتشر شده از سوی امیر رئیسیان یکی از وکلای شریفه محمدی فعال کارگری زندانی در گفتگو با شبکه شرق اعلام شد که دادگاه اسلامی به هیچ‌یک از ایراداتی که وکلا به نظریه ضابط وارد کرده بودند، پاسخی نداده است. شریفه محمدی جانش در خطر است و سیعا به کارزار دفاع از شریفه محمدی پیوندیم

- نیروهای شرکتی کلیه مراکز مخابراتی مشهد، بردسکن و خواف با خواست حذف شرکتهای واسطه ای مرتبط با مخابرات، انعقاد قرارداد مستقیم، اجرای طرح طبقه بندی

## تجمعات اعتراضی بازنشستگان تامین اجتماعی و فولاد و بهورزان میناب

شاغل و بازنشسته اتحاد اتحاد



میدادند: "دولت خیانت میکند، مجلس حمایت میکند"، "نوبت ما که همیشه خزانه خالی میشه"، "بازنشسته داد بزن حقتو فریاد بزن"، "تامین رو غارت کردن، ما را بیچاره کردن"،

در اصفهان بازنشستگان فولاد و معدن در خیابان نشاط دست به تجمع و راهپیمایی زدند. در این تجمع بازنشستگان شعار میدادند: "کشور پر درآمد چه بر سر تو آمد"، "دشمن ما همین جاست، دروغ میگن آمریکاست"، "نه مجلس نه دولت، نیستن به فکر ملت".

اعتراضات علیه فقر و گرانی گسترده است. پرستاران و کادر درمان یک بخش معترض جامعه هستند که با اعتراضات پیوسته خود پیگیر مطالباتشان هستند. روز گذشته بهورزان شهرستان میناب در هرزگان در اعتراض به تبعیض های حقوقی و بی عدالتی در پرداخت ها، در محل برگزاری آزمون سالانه بهورزی در دانشگاه پیام نور تجمع کردند و خواستار پرداخت معوقات و برقراری ترمیم و احتساب ۲ سال سنوات خدمتی حقوق شدند. بهورزان افرادی هستند که در خانه های بهداشت روستایی و درمانگاه های مناطق محروم و کم جمعیت، به انجام امور اولیه پزشکی و کمک های اولیه اشتغال دارند. در تجمع اعتراضی روز گذشته بهورزان شعار میدادند: "معیشت پرستار، سلامتی بیمار"، "تورم دلاری، حقوق ما ریالی"، "فقط کف خیابان بدست میاد حقمان"

حزب کمونیست کارگری ایران - ۵ اسفند ۱۴۰۳، ۲۳ فوریه ۲۰۲۵

امروز پنجم اسفند ماه بازنشستگان تامین اجتماعی در اعتراض به فقر و گرانی و بی پاسخ ماندن مطالبات خود و علیه اختلاس و دزدی و سرکوبگریها در شهرهای تهران، شوش و اهواز تجمع کردند.

در تهران بازنشستگان مقابل تامین اجتماعی تجمع کردند و در دست نوشته هایی با مضامین "افزایش دستمزد طبق سبب معیشت و تورم و خروج از زیر خط فقر"، "اجرای ماده ۹۶ و ۴۱ قانون کار" و "درمان رایگان" اعتراضشان را علیه فقر و گرانی اعلام کردند.

در شوش بازنشستگان مثل هر هفته از کرخه، هفت تپه و شوش تجمع و راهپیمایی داشتند و بار دیگر با خواندن سرود "زیر بار ستم نمی کنیم زندگی، جان فدا می کنیم در ره آزادی، مرگ بر این بندگی، مرگ بر این زندگی" زندگی ای انسانی را فریاد زدند. شعارهای اعتراضی دیگر این بازنشستگان عبارت بودند از: "تا حق خود نگیریم، از پا نمی نشینیم"، "عیدی گداگونه، نمیخوایم، نمیخوایم"، "کشور پر درآمد، چه بر سر تو آمد"، "گرانی، تورم، بلای جان مردم"، "از خوزستان تا گیلان مرگ بر این مدیران"، "تامین رو غارت کردن، ما را بیچاره کردن"، "زیر بار تورم، شکسته پشت مردم"، "بازنشسته میمیرد، ذلت نمیپذیرد"، "فقط کف خیابون به دست میاد حقمون".

بازنشستگان در اهواز با دست نوشته هایی چون "حقوق ما ریالیه، هزینه ها دلاریه"، "خط فقر بالای ۵۰ میلیون"، "شاغل و بازنشسته اتحاد اتحاد و فریاد شعارهایشان مقابل استانداری تجمع اعتراضی بر پا کردند. بازنشستگان از جمله شعار

### کارگرن در هفته ای که گذشت...

از صفحه ۱۰

هلدینگ مخابرات و پرداخت معوقات مزدی سالهای گذشته خود، دست به اعتصاب زده اند.

- مالباختگان مسکن برازجان از توابع بوشهر نیز در اعتراض به بالا کشیدن پولهایشان و عدم تحویل خانه های خود پس از ۲۳ سال سر دواندن، دست به تجمع زدند.

- مالباختگان صندوق خام کوی مدرس در دزفول نیز بخاطر بالا کشیدن پولهایشان مقابل دادسرای دزفول تجمع داشتند.

سه شنبه ۳۰ بهمن:

- طبق گزارشات منتشر شده شعبه ۳ دادگاه عمومی و انقلاب اهواز پرونده امان جلالی نژاد معلم زندانی را به دلیل نقص به دادسرا بازگرداند.

- کارزار سه شنبه های نه به اعدام در پنجاه و ششمین هفته خود با پیوستن زندان دیزل آباد کرمانشاه دامنه اش به ۳۶ زندان کشیده شد.

مردم در شهر اراک علیه مازوت سوی این جنایت آشکار در قابل جان و سلامتی مردم دست به تجمع و راهپیمایی زدند.

- کارگرن هولدینگ پتروشیمی بندرامام در ماهشهر، در اعتراض به وضعیت بد معیشتی و عدم پاسخگویی به خواسته هایشان دست به اعتصاب زدند. خواست فوری آنها افزایش دستمزد هاست.

- کارگرن شرکت پترو نیرو صبا مجری ساخت پروژه هایکو پتروشیمی کارون در اهواز در اعتراض به عدم پرداخت نشدن حقوق شان در سه ماه گذشته تجمع کردند.

- بازنشستگان صنعت نفت در اهواز، مقابل صندوق رفاه و امور بازنشستگی در اعتراض به بی پاسخ ماندن مطالباتشان تجمع کردند. فقط کف خیابون، بدست میاد حقمون

دوشنبه ۲۹ بهمن

- بازنشستگان مخابرات در ادامه مبارزاتشان در اعتراض به فقر و تبعیض و بی حقوقی و چپاولگریهای حاکم در شهرهای مختلف تجمع کردند. بازنشستگان مخابرات همچنین به اجرا نشدن آیین نامه ای استخدامی و رفاهی سال ۱۳۸۹ و عدم پاسخگویی به مطالبات خود اعتراض دارند. تجمعات این هفته بازنشستگان مخابرات در شهرهای تهران، ایلام، تبریز، بیجار، کرمانشاه، اصفهان، رشت، اهواز، سنندج، زنجان برگزار شدند.

- کارگرن نساجی بروجرد در اعتراض به تعویق پرداخت سه ماه و نیم مزد و مشکلات بیمه درمانی و نداشتن امنیت شغلی برای سومین روز متوالی تجمع و اعتصاب کردند.



- بنا بر گزارش منتشر شده از سوی شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان شعبه ۳ دادگاه عمومی و انقلاب اهواز، پرونده امان جلالی نژاد معلم زندانی را به دلیل نقص به دادسرا بازگرداند. فرزانه زیلابی وکیل امان جلالی نژاد پیشتر اعلام کرده بود که در پرونده دیگری این معلم به ۳ سال و ۶ ماه حبس محکوم شده که به این حکم، اعتراض کرده است.

- کارگرن هولدینگ پتروشیمی بندرامام در ماهشهر، در اعتراض به وضعیت بد معیشتی و عدم پاسخگویی به خواستههایشان دست به اعتصاب زدند. خواست فوری آنها افزایش دستمزدهاست.

- کارگران شرکت پترو نیرو صبا مجری ساخت پروژه هایکو پتروشیمی کارون در اهواز در اعتراض به عدم پرداخت نشدن حقوقشان در سه ماه گذشته تجمع کردند.

- بازنشستگان صنعت نفت در اهواز، مقابل صندوق رفاه و امور بازنشستگی واقع در امانیه اهواز در اعتراض به عدم دریافت مطالبات به حق خود تجمع کردند. وعده وعید کافی، سفره ما خالی - فقط کف خیابون، بدست میاد حقمون

#### دوشنبه ۲۹ بهمن

- بازنشستگان مخابرات در ادامه مبارزاتشان و در اعتراض به فقر و تبعیض و بی حقوقی و چپاولگریهای حاکم در اهواز تجمع و راهپیمایی کردند. بازنشستگان مخابرات در سطح سراسری در ده شهر تجمع اعتراضی برپا کردند. بازنشستگان مخابرات با شعاردهی علیه سهامداران عمده مخابرات یعنی ستاد اجرایی و تعاون سپاه، بساط چپاول و غارت حاکم را به چالش می کشند.

- اعتراضات کارگران شرکت پایانهها و مخازن پتروشیمی ماهشهر وارد دومین روز خود شد. خواستههای فوری آنها عبارتند از: عدم اجرای تبدیل وضعیت کارگران مطابق با شرکتهای همجوار، عدم اجرای مصوبات مجمع عمومی شرکت، پرداخت نشدن اضافه کاری (علیرغم گرفتن رای دیوان عدالت اداری) و جلوگیری از دخالت برخی مدیران سابق در امور شرکت پایانهها و مخازن عمده ترین

- ۱۵ دانش آموز در یکی از مدارس شهرستان ایذه دچار مسمومیت با گاز مونوکسیدکربن شدند که به بیمارستان منتقل شدند. این اتفاق نشاندهنده وضع اسفناک و خطر آفرین مدارس از جمله استفاده وسایل گرمایشی غیر استاندارد است. عدم ایمنی مدارس یک موضوع اعتراضات معلمان بوده است.

#### یکشنبه ۲۸ بهمن

- بازنشستگان تامین اجتماعی همانند دیگر یکشنبه ها در اعتراض به سونامی گرانی و اختلاس و سرکوب و عدم پاسخگویی به مطالباتشان در شهرهای شوش و اهواز تجمع کردند.

- بازنشستگان فولاد مثل هفته های گذشته در اهواز تجمع داشتند. بازنشستگان شعار میدادند: "فولادی داد بزن حق تو فریاد بزن"

- اعتراضات کارگران پایانه ها و مخازن پتروشیمی ماهشهر برای پیگیری

## از خوزستان خبر میرسد؟

۲۶ بهمن تا ۳ اسفند ۱۴۰۳



کمیته سازماندهی - واحد خوزستان  
حزب کمونیست کارگری ایران  
Worker-Communist Party of Iran

### اخبار هفته: واحد خوزستان کمیته سازماندهی حزب کمونیست کارگری

#### جمعه ۳ اسفند

- خبرها از سونامی بیکاری حکایت میکند. قطعی متناوب برق، موجب اختلال تولید در شهرک های صنعتی و موج جدیدی از بیکارسازی شده است. بنا بر گزارش منتشر شده از سوی سایت دولتی تجارت نیوز بیکاری در خوزستان بیداد میکند و بیکاری زنان در این استان بالاترین نرخ در کل کشور را دارد. تمامی افراد کم در آمد و یا بدون در آمد و افراد بدون اشتغال و در آمد باید از مستمری پایه ای ماهانه در حد کفاف یک زندگی شایسته برخوردار باشند. بیمه بیکاری مکفی و متناسب با رشد نجومی قیمت دلار حق همه زنان و مردان بیکار است.

#### پنجشنبه ۲ بهمن

- بیش از ۱۹ ماه از بازداشت و بلا تکلیفی پنج زندانی سیاسی به اسامی مسعود جامعی، علیرضا مرداسی، داوود حرمت نژاد، سامان حرمت نژاد و فرشاد اعتمادی فر، در زندان شیپان اهواز می گذرد. آنها در یک پرونده مشترک در بازه زمانی خرداد تا مرداد ۱۴۰۲، بازداشت شده اند.

#### چهارشنبه ۱ اسفند

- مالباختگان صندوق خام کوی مدرس در دزفول نیز بخاطر بالا کشیدن پولهایشان مقابل دادسرای دزفول تجمع داشتند. بالا کشیدن پولهای مردم در پروژه های جعلی و متقلب مسکن، بخشی از غارت های حکومتیان و اشخاص حقوقی و حقیقی وابسته به آنهاست.

- داروسازان اهواز، در اعتراض به تأخیرهای مکرر بیمه تامین اجتماعی در پرداخت مطالبات داروخانهها در مقابل دفتر اسناد پزشکی این سازمان تجمع کردند. آنها هشدار داده اند که ادامه این وضعیت، تأمین دارو را با مشکل مواجه کرده است و سلامت بیماران را تهدید می کند و در صورت تداوم تأخیر در پرداختها، اعتراضات ادامه خواهد داشت.

- جابر سخراوی (سخراوی)، زندانی سیاسی محبوس در زندان شیپان اهواز، به دلیل وضعیت جسمانی بد، به مرخصی درمانی اعزام شد.

- گزارشی تکان دهنده، از مرگ یک نو عروس در روستای اردوت، واقع در بخش سوسن در شهرستان ایذه خبر میدهد. این زن در ساعت سه بامداد این روز بخاطر نبود امکانات درمانی اورژانس و مناسب، جان خود را از دست داد. در گزارش این خبر چنین آمده است: "آقای پزشکیان نو عروسی که به خاطر سوء مدیریت، به خاطر تبعیض، به خاطر بی لیاقتی، به خاطر بی کفایتی شما در نبود امکانات جان داد. در این منطقه محروم نه مدرسه ای هست، نه بهداشت، نه جاده و نه برق، تف به غیرت و شرف اون مسئولی که این وضع را بر سر مردم آورد. آقای پزشکیان جنابعالی باید در سفر استان خوزستان به جای اینکه لباس پزشکی تنت بکنی و بگویی که این جامعه نیاز به پزشک داره. چه کاری کردی؟ فقط خودنمایی؟"

سه شنبه ۳۰ بهمن



سرکوب‌های حکومتی و استفاده از سلاح گرم علیه معترضان چنین آمده است کارزار "سه‌شنبه‌های نه به اعدام" ضمن محکوم کردن این جنایات، بر دفاع از حق حیات، از محکومان به اعدام تا کودکان مبتلا به بیماری‌های خاص، تأکید دارد.

نکته آخر مورد اشاره بیانیه سه‌شنبه‌های نه به اعدام وضعیت کودکان مبتلا به سرطان و مشکلات معیشتی خانواده‌های آن‌ها است و در آن تعرض به سلامت و معیشت مردم، به‌ویژه کودکان، مصداق بارز جنایت خوانده شده است.

در همراهی با کارزار «سه‌شنبه‌های نه به اعدام» (روز گذشته بار دیگر تعدادی از فعالین سیاسی در مقابل زندان اوین حضور یافتند و به نشانه اعتراض یک طناب دار را آتش زدند. در این تجمع صدیقه و سقمی، عالیه مطلب‌زاده، کامبیز نوروززاده، هستی امیری، شقایق مرادی، علی نانوائی، مجید مسافر، نرگس محمدی و الهام صالحی حضور داشتند.

آخرین خبر اعتراضی تجمع و راهپیمایی مردم در شهر اراک علیه مازوت سوی این جنایت آشکار در قابل جان و سلامتی مردم است. مردم از جمله شعار میدادند "مازوت سوزی جنایت"، "اراک داد بزن حق تو فریاد بزن". جمهوری اسلامی حتی امکان تامین سوخت مناسب برای مراکز گاز و نفت را ندارد و با استفاده از موادی مثل مازوت زندگی و جان مردم را به خطر می‌اندازد. تخریب محیط زیست و آب و هوا سیاست سراسری حکومت در قبال مردم است. مردم اراک الگوی آموزنده‌ای برای اعتراضات علیه این جنایت را به دست میدهند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱ اسفند ۱۴۰۳، ۱۹ فوریه ۲۰۲۵

## اعتصاب نیروهای شرکتی مخابراتی، تجمعات مالباختگان، ادامه سه‌شنبه‌های علیه اعدام، اعتراضات علیه مازوت سوزی در اراک

از صبح روز یکم اسفند ماه نیروهای شرکتی کلیه مراکز مخابراتی مشهد، بردسکن و خواف با خواست حذف شرکتهای واسطه‌ای مرتبط با مخابرات، انعقاد قرارداد مستقیم، اجرای طرح طبقه بندی هلدینگ مخابرات و پرداخت معوقات مزدی سالهای گذشته خود، دست به اعتصاب زده‌اند. این اعتصاب قرار است فردا نیز ادامه یابد. اعتصاب نیروهای شرکتی مخابرات در ادامه اعتصاب این کارگران در دیگر استانهای کشور شروع شده است. روز ۳۰ بهمن نیز کارکنان شرکت "کارخانجات مخابراتی ایران" در اعتراض به پرداخت نشدن چندین ماهه‌ی حقوق در برابر شرکت تجمع داشتند.

- در این روز مالباختگان مسکن برازجان از توابع بوشهر نیز در اعتراض به بالا کشیدن پولهایشان و عدم تحویل خانه‌های خود پس از ۲۳ سال سر دواندن، دست به تجمع زدند. در این روز همچنین مالباختگان صندوق خام کوی مدرس در دزفول نیز بخاطر بالا کشیدن پولهایشان مقابل دادسرای دزفول تجمع داشتند. بالا کشیدن پولهای مردم در پروژه‌های جعلی و متقلب مسکن، بخشی از غارت‌های حکومتیان و اشخاص حقوقی و حقیقی وابسته به آنهاست.

روز گذشته سی‌ام بهمن ماه در پنجاه و ششمین هفته کارزار سه‌شنبه‌های نه به اعدام، با پیوستن زندان دیزل‌آباد کرمانشاه به این کارزار، دامنه این کارزار به ۳۶ زندان کشیده شد. در بخشی از بیانیه این هفته سه‌شنبه‌های نه به اعدام چنین آمده است "این کارزار که به دفاع از حق حیات و جلوگیری از اعدام‌ها می‌پردازد، جان‌باختن امیر محمد خالقی، دانشجوی دانشگاه تهران را تسلیت گفته و حکومت را مسئول این حادثه می‌داند". اعضای کارزار همچنین از دیگر دانشگاه‌ها دعوت کرده‌اند که به اعتراضات دانشجویان تهران بپیوندند. اعضای کارزار سه‌شنبه‌های نه به اعدام در بیانیه خود همچنین ضمن اشاره به اعدام حداقل ۶۲ نفر در بهمن ماه و تأیید دوباره حکم اعدام شریفه محمدی، زندانی سیاسی، از همبستگی زندانیان جرایم عادی در زندان لاکان با این کارزار و اعتصاب غذای آنان در کنار زندانیان سیاسی خبر داده‌اند. علاوه بر این بیانیه ضمن اشاره به گسترش اعتراضات در شهر دهدشت به دنبال

ما با تعطیلی متوالی محیط‌های کار و ادارات و مدارس روبرو بوده‌ایم. اراک یک کانون داغ اعتراض علیه آلودگی هوا و مازوت سوزی است و سه‌شنبه‌های اعتراضی را شکل داده‌اند. این روز را باید در تمام شهرها به روز اعتراض سراسری تبدیل کنیم.

واحد خوزستان - کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری

۳ اسفند ۱۴۰۳، ۲۱ فوریه ۲۰۲۵

از صفحه ۱۳

## از خوزستان خبر میرسد ...

خواستهایشان ادامه یافت.

شنبه ۲۷ بهمن

- کارگران پایانه‌ها و مخازن پتروشیمی ماهشهر در اعتراض به عدم اجرای تبدیل وضعیت کارکنان مطابق با شرکتهای همجوار، عدم اجرای مصوبات مجمع عمومی شرکت و پرداخت نشدن اضافه کار پرسنل مجدداً تجمع داشتند. همچنین کارگزاران بیمه کشاورزی در اعتراض به محرومیت از بیمه مقابل سازمان اداری استخدامی تجمع کرده و شعار میدادند "کارشناس بیمه هستیم اما بیمه نداریم!".

جمعه ۲۶ بهمن

- بر اساس اعلام سامانه پایش کیفی هوای کشور، شاخص کیفیت هوا بر اساس اندازه‌گیری ذرات معلق در آن در اهواز، دزفول، سوسنگرد، آبادان، خرمشهر، در وضعیت ناسالم و قرمز قرار داشت. همچنین هوای اندیشک، گتوند، شوشتر، هویزه، ماهشهر و رامهرمز در شرایط «ناسالم برای گروه‌های حساس» و «نارنجی» بوده است. طبق این گزارش، بر اساس شاخص ۲/۵ میکرون هوای هیچکدام از شهرهای خوزستان در وضعیت "پاک" نبوده است. آلودگی هوا یک معضل سراسری در ایران است و خوزستان همواره در خط قرمز قرار داشته است. بخاطر آلودگی هوا

### برگرفته از کانال تلگرامی نهاد اعدام نکنید

اعدام برای جرائم مواد مخدر  
از رایج ترین دلایل اعدام در ایران!  
در کشوری که تورم، گرانی و بیکاری  
کمر مردم را خم کرده!  
در کشوری که مافیای مواد مخدر  
در دستان خود حکومتگرانه!  
به عده از بی پناهنترین انسانها  
که قربانی چرخه مافیای مواد مخدر  
هستند، به اعدام محکوم شدند  
و روزانه برای گرم کردن تنور اعدام،  
کشته میشن!  
اعدام نکنید!  
هیچ کس را به هیچ بهانه‌ای اعدام نکنید!



انسانی در ایران یاری می‌رسانند را به گرمی می‌فشاریم.

حزب کمونیست کارگری ایران - ۲۴ بهمن ۱۴۰۳، ۱۲ فوریه ۲۰۲۵

برای پرداخت کمک‌های خود می‌توانید از طریق شماره حساب های زیر و یا از طریق تماس با تشکیلات های حزب اقدام نمایید:  
شماره حساب‌ها و تلفن‌های تماس:

سوئد: Sweden:

NordeaPlusgirokonton: 4122379-3

Bankkontonummer: 9960264 1223793

IBAN: SE1095000099602641223793, BIC: NDENSESS

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

Bank: NatWest , Account holder: WPI

Account number: 45477981 , Sort code: 60-24-23

IBAN: GB77NWBK60242345477981 , BIC: NWBKGB2L

کمک خود را همچنین می‌توانید از طریق پی پل پرداخت کنید:

Donate (paypal.com) یورو

Donate (paypal.com) دلار

Donate (paypal.com) یورو

سوالاتی دارید می‌توانید با شماره‌های زیر تماس بگیرید:

تماس از خارج: سیامک بهاری 0046739868051

از آمریکای شمالی: بابک یزدی 0014164717138

تماس از ایران:

شهلا دانشفر: 00447435562462 - کیوان جاوید: 00447388575020

## کمپین یکماهه جمع آوری ۱۵۰ هزار دلار کمک مالی!

امسال هم کمپین مالی حزب را با امید به کمکهای شما مردم شریف و آزاده شروع میکنیم. کمک‌های شما تا کنون به ما امکان داده است که فعالیت‌های گسترده‌ای را در همه عرصه‌های مبارزه در داخل و خارج کشور علیه جمهوری اسلامی، برای آزادی و برابری و در دفاع و ادامه انقلاب زن زندگی آزادی به پیش بریم.

تلاش شبانه‌روزی ما در داخل و خارج کشور این است که صفوف مردم معترض و انقلابی را حول خواست‌ها و آرمان‌های عمیق انسانی متحد و متشکل کنیم. ما فعالیت‌های گسترده و بی‌وقفه‌ای را همراه با هزاران فعال جنبش‌های مختلف اجتماعی برای تقویت این جنبش‌ها و برای متحد و متشکل کردن این جنبش‌ها در مقابل جمهوری اسلامی در عرصه‌های مختلف مبارزه به پیش می‌بریم. از مبارزه برای دفاع از حرمت و حقوق کودک تا مبارزه علیه حجاب و آپارتاید جنسیتی و گسترش جنبش آزادی زن، از مبارزه علیه مجازات اعدام و متوقف کردن اعدام‌ها تا فعالیت برای آزادی زندانیان سیاسی، از دفاع از آزادی‌های بی‌قید و شرط سیاسی تا تلاش برای متحد کردن کارگران، معلمان، بازنشستگان، دادخواهان، پرستاران، دانشجویان و دفاع از حقوق ال جی بی تی کیو پلاس‌ها و حفظ محیط زیست، تا دفاع از حقوق پناهندگان و از سازماندهی تظاهرات‌ها در خارج کشور تا مبارزه علیه اسلام سیاسی و برای بایکوت سیاسی و اخراج جمهوری اسلامی از نهادهای بین‌المللی. و اکنون طبق سنت هر ساله، موعد آن فرارسیده تا برای ادامه و گسترش این فعالیت‌ها، از جمله اداره تلویزیون کانال جدید که ۲۴ ساعته که از دو ماهواره پخش میشود، شما را به حمایت مالی از حزب کمونیست کارگری دعوت کنیم.

ما دست یاری به سوی همه مردم شریف و آزاده، از کلیه فعالینی که در داخل و خارج کشور به امر متحد و متشکل کردن مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی مشغولند، کلیه مردمی که با حزب کمونیست کارگری و فعالیت‌ها و سیاست‌هایش آشنایی دارند و آثرا نیروی موثر و مثبتی در امر رهایی می‌شناسند دراز می‌کنیم تا در کنار هم و با قدرتی بیشتر این مبارزه را به سرانجام برسانیم.

امیدواریم بتوانیم طی یک ماه از ۱۵ فوریه تا ۱۵ مارس (۲۷ بهمن تا ۲۷ اسفند) حداقل مبلغ ۱۵۰ هزار دلار جمع‌آوری کنیم. سال‌های گذشته نیز کمپین مالی سالانه ما به لطف حمایت شما موفق به جمع‌آوری بیش از ۱۰۰ هزار دلار شد. امیدواریم امسال از این مبلغ فراتر برویم.

طبق معمول آمار و ارقام این کمپین برای اطلاع عموم منتشر خواهد شد.

پیشاپیش دست همه عزیزانی که با کمک‌های خود به ادامه و گسترش فعالیتی وسیع برای متحد کردن صفوف مردم و سرنگونی جمهوری اسلامی و تحقق جامعه

## لیست اول کمک به کمپین مالی حزب کمونیست کارگری

در پاسخ به فراخوان حزب برای جمع آوری حداقل ۱۵۰ هزار دلار کمک مالی برای تامین بخشی از نیازهای مالی حزب (و از جمله کانال جدید) در هفته اول معادل ۴۰۵۱۵ دلار آمریکا جمع آوری شد. این کمپین یک ماهه است و هر هفته لیست دوستانی که کمک میکنند منتشر میشود. از تمام عزیزانی که تا این لحظه به این کمپین کمک کرده‌اند صمیمانه قدردانی میکنیم. از مخالفین جمهوری اسلامی در داخل و خارج کشور، از همه آنها که قلبشان برای جامعه‌ای آزاد و برابر و

فاضل نادری ۲۰۰۰ کرون  
سوسن بهادری ۵۰۰ دلار کانادا  
امیر توکلی ۶۰۰ یورو  
مینا بهروزی ۲۵۰ دلار کانادا  
مجید آذری ۱۰۰۰ دلار آمریکا  
کیا صبری ۲۰۰۰ دلار کانادا  
بابک یزدی ۲۰۰۰ دلار کانادا  
محمد کریمی ۵۰۰ یورو  
خلیل کیوان ۳۰۰۰ کرون  
سلیمان سیگارچی ۳۰۰ دلار کانادا  
جمیل فرزاد ۱۰۰۰۰ کرون  
اندیشه علیشاهی ۱۰۰۰ کرون  
سهیل اسفندیاری ۲۰۰۰ کرون  
پریسا پوینده ۱۵۰ یورو  
فاتح بهرامی ۱۰۰۰ دلار کانادا  
مجید صندوقدار ۵۰۰ یورو  
محمد هوشمند ۷۵۰ دلار کانادا  
رضا درویش ۶۰ دلار کانادا  
آقای حمیدی ۲۰۰۰ دلار آمریکا  
جمیله نقدی ۵۰ یورو  
آذر پویا و هوشیار سروش ۱۰۰۰۰ کرون  
تهمینه صادقی و ابی لشگری ۲۰۰۰ دلار کانادا - مهران محبوبی ۱۰۰ دلار  
سوسن صابری ۲۹۰۰ کرون  
شهلا دانشفر و کاظم نیکخواه ۱۰۰۰ پوند  
سیامک امجدی ۱۰۰ پوند  
زبیده دریادل ۱۰۰ یورو  
فریبا آذرخش و پیام آذر ۱۲۰۰ یور  
امیر زاهدی ۵۰۰ دلار کانادا  
ژینو ابراهیمی و پیمان میرزایی ۱۰۰ دلار کانادا - طه حسینی ۱۰۰ یورو

## تجمع کارگران ارکان ثالث در لاوان، مردم زابل در اعتراض به قطعی برق، پرستاران در کاشان و اعتصاب پزشکان در هرمزگان



تجمع کنندگان شعار میدادند "پرستار داد بزن، حقوق فریاد بزن"، "اضافه کاری اجباری نمیخواهیم، نمیخواهیم"،

روز گذشته همچنین پزشکان بخش بهداشت استان هرمزگان طی نامه ای سرگشاده به ریاست دانشگاه این استان، با اعتراض از تاخیر در پرداخت مطالبات خود، از اعتصاب به شکل امتناع در ارائه خدمات به جز در موارد اورژانسی خبر دادند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲ اسفند ۱۴۰۳، ۲۰ فوریه ۲۰۲۵

بنا بر گزارش منتشر شده از سوی شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیر رسمی نفت (ارکان ثالث) امروز پنجشنبه دوم اسفند ماه کارگران ارکان ثالث در شرکت نفت فلات قاره در منطقه لاوان در ادامه اعتراضاتشان و در اعتراض به فرمایشی شورای عالی کار و پایین بودن مزد و قدرت خرید کارگران دست به تجمع اعتراضی زدند. اهم مطالبات کارگران ارکان ثالث عبارتند از: - افزایش مزد متناسب با شرایط و گرانی بازار در روزهای نزدیک به عید، حذف کامل شرکتهای پیمانکاری، اجرای کامل طرح طبقه بندی مشاغل، - اعمال مفاد رأی ۳۱۸۸ دیوان در پرداختهای مزدی و...

همچنین قطعی متناوب برق در شهرهای مختلف فشارهای زیادی به مردم وارد کرده و مردم وسیعاً خشمگین و عصبانی هستند. یکی از نتایج قطعی برق اختلاف تولید در شهرک های صنعتی مختلف و بیکارسازی کارگران است. امروز دوم اسفند ماه در شهر زابل در رابطه با قطعی دائمی برق، خسارات ناشی از آن از جمله سوختن بسیاری از لوازم برقی خانگی بدلیل نوسانات و قطع و وصل شدن برق و نیز ضررهای ناشی از کساد بازارها و کار کسبه، مردم مقابل اداره برق این شهرستان تجمع کردند. در این روز مهندسين مشاور نیز در اعتراض به مشکلات شرایط کاری و وضعیت استخدامی خود جلوی استانداری آذربایجان غربی تجمع کردند.

اعتراضات بر سر مشکلات معیشتی، فقر، گرانی و بی تامینی گسترده و اجتماعی است. روز گذشته پرستاران بیمارستان بهشتی کاشان در اعتراض به مبلغ کم اضافه کاری، سطح نازل حقوق و مزایا و تاخیر در برخی پرداخت ها، سیستم تبعیض آمیز پرداخت کارانه، تعرفه گذاری و نیز اضافه کار اجباری با دستمزد ناچیز تجمع کردند.

## ادامه لیست اول کمک به کمپین مالی حزب کمونیست کارگری ایران

از صفحه ۱۴

مصطفی علی پور ۱۰۰ دلار کانادا  
مسعود یوسفی ۵۰ دلار کانادا  
اتین والی از لیون فرانسه ۳۰۰ یورو  
طه گلرخ ۵۰۰ دلار کانادا  
امیر فروتن ۲۵۰۰ کرون  
کاوه نیکنام ۱۰۰ یورو  
از ایران:  
شقایق از کردستان ۱ میلیون و ۶۰۰ هزار تومان  
نازنین ۲۰ میلیون تومان  
نیما از ایران معادل ۱۰۰۰ کرون  
یک دوست از کردستان ۲۴ میلیون تومان  
جمع ۳۹۸۸۵ دلار آمریکا

یک دوست از آلمان ۵۰ یورو  
دوست قدیمی ۳۵۰ دلار استرالیا  
سهیلا میلانی ۳۰۰ دلار کانادا  
هادی عبدی ۲۰۰ دلار کانادا  
پتی دبونیتاس و کیوان جاوید ۲۵۰۰ پوند  
آقای تسلیم ۲۰ یورو  
محمد شکوهی ۱۰۰ یورو  
یونس از گوتنبرگ ۵۰۰۰ کرون  
لطفیه (واشنگتن) ۵۰ دلار آمریکا  
کوکب ۱۰۰۰ کرون  
حسن پویا ۵۰ دلار کانادا

عباس ایاق ۲۰۰ دلار آمریکا  
مسعود آذرنوش ۲۰۰ دلار کانادا  
علا فرهادپور ۱۰۰ دلار آمریکا  
صدف کورش نیا ۱۰۰۰ دلار کانادا  
اصغر کریمی ۶۰۰ پوند  
بهرام سروش ۱۰۰۰ پوند  
کریم شامحمدی ۵۰۰۰ کرون  
مجید فرجیان ۱۰۰۰ کرون  
محسن ابراهیمی ۵۰۰ دلار کانادا  
هرمز رها ۱۰۰۰ کرون  
یک دوست از آلمان ۵۰۰ یورو  
نوید محمدی ۵۰۰ یورو  
سعید مدانلو ۳۶۰ دلار آمریکا  
کاوش مهران ۱۰۰۰ کرون  
شیرین شمس ۱۵۰۰ کرون  
کیان آذر ۱۵۰۰ کرون  
میترا دانشی و حمید تقوایی ۱۵۰۰ دلار کانادا  
فاطمی کلوانی ۲۰۰ کرون  
کریم شامحمدی ۵۰۰۰ کرون  
مجید فرجیان ۱۰۰۰ کرون  
محسن ابراهیمی ۵۰۰ دلار کانادا  
هرمز رها ۱۰۰۰ کرون  
یک دوست از آلمان ۵۰۰ یورو  
نوید محمدی ۵۰۰ یورو  
سعید مدانلو ۳۶۰ دلار آمریکا  
کاوش مهران ۱۰۰۰ کرون  
شیرین شمس ۱۵۰۰ کرون  
کیان آذر ۱۵۰۰ کرون  
میترا دانشی و حمید تقوایی ۱۵۰۰ دلار کانادا  
فاطمی کلوانی ۲۰۰ کرون  
یک دوست از استکهلم ۴۰۰ کرون

## کارگر کمونیست

مسئولیت مطالب با نویسندگان  
انهاست. درج مقالات در کارگر  
کمونیست لزوماً به معنی تأیید  
مضمون آنها از جانب نشریه نیست

## به حزب کمونیست کارگری پیوندید!

تلگرام: @wpi\_tamas  
۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲  
tamas.wpi@gmail.com



## محمد حبیبی از زندان آزاد شد

آخرین خبر از پرونده شریفه محمدی، فشارهای امنیتی بر معلمان و بیخبری از کارمان ساختمانگر

امروز اول اسفند ماه محمد حبیبی سخنگوی کانون صنفی معلمان تهران در میان استقبال خانواده و دوستان آزاد شد. آزادی محمد حبیبی را به وی، به خانواده اش و به همگان تبریک میگوییم. محمد حبیبی به خاطر اعتراض به مسمومیت سریالی دانش آموزان، محکوم به شش ماه حبس ظالمانه شده بود و با پایان دوره حبس و با احتساب ایام بازداشت موقت، از زندان آزاد شد.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران ضمن انتشار و شادباش خبر آزادی محمد حبیبی بر آزادی بی قید و شرط تمام زندانیان سیاسی و عقیدتی از جمله معلمان تاکید کرد.

بنا به خبر منتشر شده امروز اول اسفند ماه از سوی امیر رئیسیان یکی از وکلای شریفه محمدی فعال کارگری زندانی در گفتگو با شبکه شرق اعلام شد که دادگاه اسلامی به هیچ یک از ایراداتی که وکلا به نظریه ضابط وارد کرده بودند، پاسخی نداده است. شریفه محمدی جانش در خطر است و وسیعا به کارزار دفاع از شریفه محمدی پیوندیم و به هر شکل که ممکن است در داخل ایران و در خارج کشور برای آزادی وی تلاش کنیم. شریفه محمدی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شود.

با گذشت دو هفته از بازداشت کارمان ساختمانگر فعال کارگری و زندانی سیاسی سابق، به جز روزهای اول که اداره اطلاعات سندج بازداشت او را تایید کرد دیگر اطلاعی از وضعیت او در دست نیست و این بی خبری موجب نگرانی خانواده، دوستان و همگان شده است. کارمان ساختمانگر روز چهارشنبه ۱۷ بهمن ماه در خیابان جامی سندج توسط سرنشینان سه خودروی اداره اطلاعات دستگیر و به بازداشتگاه این نهاد امنیتی منتقل شد.

بنا بر گزارش منتشر شده از سوی شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان شعبه ۳ دادگاه عمومی و انقلاب اهواز پرونده امان جلالی نژاد معلم زندانی را به دلیل نقص به دادسرا بازگرداند. فرزانه زیلابی وکیل امان جلالی نژاد پیشتر اعلام کرده بود که در پرونده دیگری این معلم به ۳ سال و ۶ ماه حبس محکوم شده که به این حکم، اعتراض کرده است.

بنا بر خبر منتشر شده در پانزدهم بهمن ماه اصغر امیرزادگان از معلمان معترض در استان فارس در دو پرونده به چهار سال حبس محکوم گردیده است. قبلاً نیز چهارتن از اعضای انجمن صنفی معلمان استان فارسی به اسامی شکراله احمدی، روح اله گره گشا، جان محمد احمدی و علی احمدی به جرم تهیه اقلام مورد نیاز آموزشی پنج دانش آموز بدل از سه ماه حبس و جزای نقدی محکوم شدند. این احکام از سوی شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان و تشکلهای معلمان در شهرهای مختلف محکوم شده است.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی - ۲ اسفند ۱۴۰۳، ۲۰ فوریه ۲۰۲۵  
Shahla.daneshfar@gmail.com  
برگرفته از مدیای اجتماعی

## عیسی ابراهیم زاده زندانی سیاسی، فرزند خردسالش را از دست داد



است.

بهنام ابراهیم زاده برادر عیسی که بخاطر خطر دستگیری مجدد ناگزیر از ایران خارج شد و اکنون در آلمان زندگی میکند، با انتشار خبر درگذشت برادر زاده اش آریز مینویسد: "مجموعه این اتفاقات تلخ و ناگوار، تنها نمونه‌ای از

سیاست‌های سخت‌گیرانه و سرکوب‌گرانه جمهوری اسلامی است که در تلاش است تا با محدود کردن آزادی‌ها و حقوق انسانی، اعتراضات مردمی را سرکوب کند. اما علیرغم همه این فشارها، مقاومت خانواده‌های همچون ابراهیم‌زاده‌ها ادامه دارد و این افراد با رنج و درد خود، صدای اعتراض به ظلم و نابرابری‌های حاکم را بلندتر می‌کنند."

گفتنی است که هم اکنون عیسی خود از بیماری و مشکلات بعد از اقدام به خودکشی رنج میبرد و باید تحت درمان باشد.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی مراتب همدردی خود را به عیسی ابراهیم زاده، بهنام ابراهیم زاده و این خانواده گرامی اعلام کرده و بر آزادی فوری و بدون قید و شرط عیسی ابراهیم زاده تاکید میکند. با اعتراضات گسترده برای آزادی کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی تلاش کنیم.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی - ۲ اسفند ۱۴۰۳، ۲۰ فوریه ۲۰۲۵  
برگرفته از مدیای اجتماعی

امروز دوم اسفند ماه با خبر شدیم که متأسفانه عیسی ابراهیم زاده زندانی سیاسی محبوس در زندان نرده فرزند بیمار یکساله خود را از دست داده است. به عیسی ابراهیم زاده و همسر او مادر آریز عزیز و کل ز خانواده این ضایعه را تسلیت میگوییم. آریز فقط یک سال سن داشت و بدلیل نارسایی قلبی در بیمارستان مطهری ارومیه بستری بود و شرایط نامساعد این بیمارستان موجب مرگ او شد. در حالی که پدرش در زندان بود و جمهوری اسلامی اجازه نداد که او به دیدار فرزند بیمارش برود. هر روز متأسفانه شمار بسیاری از کودکان و بیماران در بیمارستانها بخاطر وضعیت اسفناک درمان و بهداشت و مشکلات مالی خانواده ها جان می‌بازند. جمهوری اسلامی مسئول مستقیم چنین فجایعی است که هر روز شاهدش هستیم.

عیسی ابراهیم زاده از بازداشت شدگان انقلاب زن زندگی آزادی است و هم‌اکنون در زندان نرده به سر می‌برد. او قبلاً نیز وقتی که حال فرزندش وخیم بود تقاضای مرخصی از زندان کرد تا کنارش باشد اما موافقت نشد و عیسی حتی دست به خودکشی زد. اما خوشبختانه جان سالم بدر برد و بعد از یک هفته بستری شدن در بیمارستان دوباره به زندان بازگردانده شد. و اجازه ندادند که کنار خانواده باشد و اقدامی برای نجات جان کودکش انجام دهد. عیسی یک کارگر کشاورزی ساده است و زندانی بودن او مشکلات اقتصادی سنگینی بر خانواده اش تحمیل کرده است.

بدین ترتیب بر سر عیسی ابراهیم زاده همان آمد که قبلاً بر سر برادر وی بهنام ابراهیم زاده آمد. بهنام ابراهیم زاده نیز در حالیکه در زندان بود، نیمی پسر جوان بیست ساله اش مدت‌ها با بیماری خطرناک سرطان دست و پنجه نرم می‌کرد و در ۲۹ مهر ۱۳۹۸ جانباخت. این دو ضایعه بزرگ ضربه سنگینی بر خانواده ابراهیم زاده زده





## فراخوان محمود صالحی برای دفاع از شریفه محمدی

محمود صالحی، فعال شناخته‌شده کارگری و عضو کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری، به صدور حکم اعدام برای شریفه محمدی واکنش نشان داد و از تمامی اعضای مستعفی کمیته هماهنگی و فعالان کارگری خواست تا در برابر این حکم ظالمانه سکوت نکنند.

شریفه محمدی، که سال‌ها در راستای حقوق طبقه کارگر مبارزه کرده، به دلیل عضویت در کمیته هماهنگی به اعدام محکوم شده است. صالحی این حکم را تلاشی برای سرکوب جنبش کارگری دانسته و تأکید کرد که نباید اجازه داده شود چنین جنایتی به نام قانون اجرا شود.

او در صفحه اینستاگرام خود نوشت: «اگر قرار است که شریفه محمدی را به اتهام عضویت در کمیته هماهنگی محکوم به اعدام کنند، ما باید در هر کجای جهان که هستیم، یک‌صدا و منسجم علیه این احکام ناعادلانه ایستاده و با تمام نیرو شعار نه به اعدام را در خیابان‌های محل سکونت خود فریاد بزنیم.»

برگرفته از مدیای اجتماعی

## بیانیه کانون صنفی معلمان در حمایت از #اعتراضات دانشجویان

به قتل امیرمحمد خالقی و عدم تامین امنیت



"جنبشی است برای بازیابی ارزش‌هایی که در جامعه امروز به محاق رفته‌اند."

کانون صنفی معلمان ایران، به عنوان بخشی از جامعه که سال‌ها در کنار دانشجویان، کارگران، پرستاران، وکلا و روزنامه‌نگاران و... شاهد تبعیض‌ها و

ایجاد ناامنی‌های روانی و اجتماعی بوده، از اعتراضات آن‌ها حمایت می‌کند. حمایت از دانشجویان به معنای اعتراض به حاکمیتی است که:

امنیت را صرفاً در بقای ساختار ناعادلانه موجود تعریف می‌کند و برای حفظ آن از به کارگیری هر نوع ابزار سرکوبی اباپی ندارد.

به معنای حمایت از آینده‌ای است که در آن هر فرد، فارغ از طبقه اجتماعی، جنسیت، قومیت یا مکان زندگی، بتواند در آرامش و امنیت زندگی کند.

به معنای حمایت از جامعه‌ای است که در آن جوانان، به جای ترس و ناامیدی، امید و انگیزه داشته باشند.

امیرمحمد خالقی تنها یک نام نیست؛

بلکه نمادی است از تمام جوانانی که استعدادها، آرزوها و رویاهایشان نابود شده است!

حمایت از اعتراضات دانشجویان، نه تنها یک اقدامی اخلاقی که ضرورتی اجتماعی است.

ما باید به آن‌ها بیونیدیم و صدای آن‌ها را تقویت کنیم زیرا؛

تنها از طریق همبستگی و درک مشترک است که می‌توانیم در مسیر دست‌یابی به عدالت و آزادی و امنیت به معنای واقعی، حرکت کنیم.

کانال کانون صنفی معلمان ایران

(برگرفته از مدیای اجتماعی)

برخیز که غیر از من و تو دادرسی نیست

دانشجویان، به عنوان قشر آگاه و پیشرو جامعه، همواره پیشگام تغییرات اجتماعی بوده‌اند. آن‌ها با شجاعت و صداقت، صدای کسانی هستند که به دلایل مختلف نمی‌توانند سخن بگویند.

اعتراضات دانشجویان به قتل امیرمحمد خالقی در چند قدمی ورودی خوابگاه کوی دانشگاه تهران، تنها واکنش به مرگ یک فرد نیست بلکه فریادی است برای مرگ حقوق انسانی، عدالت و امنیت.

این اعتراضات صرفاً اعتراض به حلقه پایانی چرخه خشونت نیست که منجر به قتل و حذف جوانی توسط جوانی دیگر شده، که خود او نیز قربانی خشونت شدیدتری است که ریشه در #ساختار تبعیض‌آمیز موجود دارد.

این سخن نه به معنای تطهیر عامل یا عاملان قتل‌های این چنینی رو به افزایش در جامعه، که جلب توجه به این نکته بنیادی است که آسیب‌های اجتماعی چون سرقت و قتل، تحت تأثیر یک عامل ایجاد نمی‌شوند که با مجازات عاملان مستقیم آن از بین بروند؛ بلکه خشونت‌های خرد برساخت چرخه خشونت‌ها و فساد کلان در کشور است.

اگر سارقان و زورگیران در سطح خرد، جسم و روان شهروندی را می‌آزارند، در سطح کلان سال‌هاست جامعه در معرض انواعی از خشونت‌ها از جانب یقه‌سپیدهاست که با انواع اختلاس‌ها و رانت‌ها، هم‌داری جامعه را غارت کرده و می‌کنند و هم فقر و نابسامانی را بر جسم و جان میلیون‌ها شهروند ایران آوار می‌سازند و فرصت‌های #زندگی معمولی را از ایشان دریغ.

حاکمانی که با #دیگری‌سازی هر منتقد و معترض، برقراری امنیت در جامعه را از طریق حذف حقوقی، اجتماعی و فیزیکی آنان در اولویت قرار داده‌اند؛ آغازگر ترویج خشونت هستند که در سطح خرد آوارش را در سطح جامعه شاهدیم.

در جامعه‌ای که بر مبنای #تبعیض شکل گرفته، دانشجویان به عنوان قشر آگاه و حساس جامعه، وظیفه خود می‌دانند علیه این نابرابری‌ها بایستند. آن‌هم نه برای خود، بلکه برای آن‌ها که تربیون و صدایی برای بیان رنج زندگی به مسلخ برده خویش ندارند.

به گمان ما اعتراض به قتل امیرمحمد خالقی، حرکتی از سر احساسات جریحه‌دار شده نیست؛ بلکه



حداقلی تضمین شده برای زندگی راحت را تثبیت کند. این حقوق حداقلی تضمین شده برای زندگی راحت در مذاکرات مزدی را تحت عنوان "سبدمعیشت" میشناسیم. نقطه عزیمت چانه زنی با نمایندگان سرمایه از این نقطه به بالاست. این مهم است که قانون اجازه ندهد هیچ مزدبگیری کمتر از «هزینه واقعی سبدمعیشت» را دریافت کند. در ایران هزاران دختر و پسر جوان را با ترفندهای مزد توافقی، یا منطقه ای از زیر پوشش قانون کار بیرون میاورند تا حداقل مزد را به آنان ندهند.

حتی معلمان خرید خدمت و پاره وقت را زیر حداقل دستمزد مصوب، حقوق میدهند.

در بخش هائی از سرمایه در کشورهای آفریقائی و آسیائی به کارگر حتی به بجای مزد، خوراک میدهند که شکمشان سیر شود و ادامه زندگی بدهند، معیاری برای حداقلهای زندگی در دنیای امروزی ندارند.

از این منظر تعیین حداقل دستمزد بر مبنای هزینه های واقعی سبدمعیشت تامین کننده نیازهای طبیعی زندگی با شاخص های جوامع امروزی بشریست و مبنائی برای عزیمت و چانه زنی برای حداقل مزد است که پرداخت کمتر از آن، باید جرم محسوب شود.

شورای بازنشستگان ایران (برگرفته از مدیای اجتماعی)

## حداقل دستمزد (مزد پایه) باید تضمین کننده خط زندگی باشد، کمتر از آن باید جرم محسوب شود!

بدرستی گفته میشود که میزان دستمزد و سهم بری طبقه کارگر از تولید ارزش اضافی و ثروتی که در مناسبات سرمایه داری میآفریند به توان طبقاتی و توازن قدرتی که در کشمکش با حکومت سرمایه در جامعه جریان دارد، سنجیده و تعیین میشود. سرمایه، گرایش دائم به پرداخت حداقلی مزد و تثبیت نیروی کار ارزان دارد و در مقابل طبقه مزدبگیر در تلاش مستمر و اجتناب ناپذیر برای بالا بردن دستمزد بمنظور ارتقاء سطح زندگی و بهره مندی از امکانات و خدماتی دارد که خود تولید کرده است. در این مصاف پایه ای طبقه کارگر مجبور است و به تجربه تاریخی نیز آموخته که در شرایط بسیار متفاوت افت و خیزهای این مبارزه، از سطحی از دستمزد که بتواند ضروریات زندگی اش را تامین کند دفاع و آنرا تضمین کند. اما مفهوم حداقل مزد بمعنای رضایت دادن به آن نیست. بلکه در حقیقت هشدار است که نباید زندگی هیچ انسانی را به کمتر از آن تقلیل داد. در نتیجه بحث حداقل مزد برای طبقه کارگر در این مصاف تاریخی اش از اهمیت خاصی برخوردار است.

در ایران بارها نمایندگان سرمایه تلاش کرده اند که با حذف معیار "حداقل مزد" از قوانین کار و توافقی کردن آن بین کارگر و کارفرما از زیر بار تعهد تضمین شده "حداقلی" خود را برهانند. مخصوصاً در شرایط بحران اقتصادی، پراکندگی نیروی کار و لشکر میلیونی بیکاران، کارفرمایان سعی میکنند دستاورد تاریخی را که در دل "تعیین حداقل مزد" طبقه کارگر خوابیده است را بازپس بگیرند. این حداقل به تعبیر و خواست طبقه کارگر، منطبق بر نیازهای زندگی امروزی است.

قانون حداقل مزد، تضمین یک زندگی مطابق با نیازهای استاندارد شده جهان کنونی بشر است، کمتر از آن مجاز نیست. طبقه کارگر تلاش دارد که یک حقوق

## خطر تداوم وضع موجود، انفجار جامعه است

اتحادیه آزاد کارگران ایران: عیسی کلاتری وزیر اسبق کشاورزی در پاسخ به سولاتی که خبرنگاری رکتا آنرا منتشر کرده، گفته است: "خطر تداوم وضع موجود، انفجار جامعه است. جامعه مدت هاست تاب آوری خود را از دست داده است، همین امروز هم مساله مردم ایران بقاست. اگر #دستمزدها در ۱۴ سال پیش را ۱۰۰ بگیریم با دستمزدهای امروز قدرت خرید مردم به زیر ۲۵ درصد رسیده است."

عیسی کلاتری که علاوه بر صدارت وزارت کشاورزی در چهار دولت، معاون رئیس جمهور در دولت روحانی نیز بوده است و همچون دیگر مقامات جمهوری اسلامی، یکی از مسئولین وضعیت #فلاکت بار کنونی حاکم بر کشور است، افزوده: "در این شرایط مردم ایران گرفتار #فقر، نابرابریها، مفاسد اقتصادی، تبعیض، نابرابری فرصت ها، ناترازی انرژی، ناترازی محیط زیست، سوءاستفاده برخی افراد و جریانات خاص از ثروت های عمومی، کاسبان تحریم ها... هستند. بخش عمده مردم ایران، یعنی بیش از ۷۰ درصد ایرانیان زیر خط فقر هستند. اینها آمارهایی است که وزارت کار که یک نهاد حاکمیتی است ارائه کرده است." (برگرفته از مدیای اجتماعی)



## صدور مجدد حکم اعدام علیه شریفه محمدی را قویا محکوم میکنیم و خواهان لغو فوری آن هستیم

به رغم نقض حکم اعدام شریفه محمدی در مهر ماه سالجاری در دیوانعالی کشور، دادگاه هم عرض بار دیگر او را با اتهامات واهی به اعدام محکوم کرد. #شریفه محمدی از اعضای سابق کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری است که هیچ جرمی جز دفاع از حقوق انسانی کارگران مرتکب نشده است. صدور حکم ضد انسانی اعدام در طول ماههای گذشته علیه فعالین کارگری و مدنی و جوانان معترض در حالی تشدید شده است که شیرازه های اقتصادی و اجتماعی کشور در حال فروپاشی است و حکومت بدون تقبل هرگونه مسئولیتی در قبال آن، تنها وظیفه ای را که برای خود قائل است تشدید سرکوب و وحشت آفرینی در جامعه از طریق صدور حکم اعدام و دیگر احکام سنگین قضایی علیه جوانان معترض و زنان و مردان آزادیخواهی چون شریفه محمدی ها و تمام انسانهای شریفی است که به وضعیت غیر قابل تحمل موجود اعتراض دارند و خواهان تغییرات اساسی در سیاستهای ویرانگریانه حاکم بر کشور هستند.

اتحادیه آزاد کارگران ایران با اعلام همبستگی با کمپین دفاع از شریفه محمدی، صدور مجدد حکم اعدام علیه او را قویا محکوم میکند و با تاکید بر لغو فوری این حکم، همراه و همدوش با همه تشکلهای مستقل کارگری، کارزار سه شنبه های اعتراضی نه به اعدام، نهادهای حقوق بشری و توده های مردم آزادیخواه ایران، خواهان لغو حکم اعدام از جرایم سیاسی و غیر سیاسی و آزادی کلیه زندانیان سیاسی در بند از زندانهای سراسر کشور است.

اتحادیه آزاد کارگران ایران - ۲۵ بهمن ماه ۱۴۰۳ (برگرفته از مدیای اجتماعی)